



# انترناسیونال ۳۶۴

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



**حزب کمونیست کارگری ایران**

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۲ شهریور ۱۳۸۹، ۳ سپتامبر

www.m-hekmat.com

**منصور حکمت**

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

**سرمدبیر: کاظم نیکخواه**

## هزاران نفر در بیش از صد شهر جهان علیه سنگسار تظاهرات کردند!

صفحات ۱۱-۱۲  
بیانیه ۲۸ اوت ۲۰۱۰، صد شهر جهان علیه سنگسار!



### بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره فلاکت اقتصادی:

صفی متحد و سراسری علیه گرانی، بیکاری و فقر شکل دهیم!

گرانی، بیکاری و فلاکت  
اقتصادی در ایران اکنون به حد بی  
سابقه ای رسیده است. جامعه ایران  
تحت حاکمیت جمهوری اسلامی  
همواره در بحران و فلج اقتصادی  
قرار داشته و اعتصابات تعطیل  
صفحه ۳

### در حاشیه روز "قدس" جمهوری اسلامی

محمد شکوهی  
اسلامی از ترس تکرار اعتراضات  
سال گذشته مردم و تبدیل این روز به  
یک روز مبارزه و مقابله با جمهوری  
اسلامی، و برای زهر چشم گرفتن از  
مناسبت کل حکومت جانیان  
صفحه ۸

### صفحات دیگر

دانشجویان کمونیست رشت در پاسخ به فراخوان  
تظاهرات علیه سنگسار! صفحه ۲

ایتالیا به یاری سکینه بر میخیزد! صفحه ۱۰

اعدام های مخفیانه در زندان مشهد و هراس جمهوری اسلامی  
صفحه ۹

اعتراضات گسترده کارگران به ندادن دستمزدها! صفحه ۳

معدنچیان شیلیایی در عمق زمین منتظر نجاتند، صفحه ۹

تعرض جمهوری اسلامی به حقوق معلمان موقوف! صفحه ۹

### ما کمپین آزادی سکینه را روی دوش انقلاب

به پیش میریم

گفتگوی نشریه انترناسیونال با اصغر کریمی در مورد کمپین  
جهانی علیه سنگسار

انترناسیونال: اصغر کریمی  
شما بعنوان هماهنگ کننده  
کمیته های بین المللی علیه  
سنگسار و اعدام و یکی از  
کسانیکه در راس کمپین "صد  
صفحه ۶

### لایحه "حمایت از خانواده" سند محکومیت کل

حکومت و قوانین اسلامی

شهلا دانشفر - صفحه ۱۰

### کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۷

### بازتاب هفته

روز قدس و نگرانیهای عسکروالادی از نزاعها  
هادی وقفی

وقتی که دیوها مرز دیپلماسی را در منورددند!  
یاشار سهندی

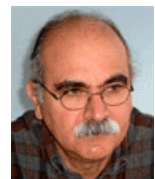
جمهوری اسلامی و پروژه انتقال گاز "ناباکو"  
بهروز مهرآبادی

وقاحت امام جمعه و قیمت چلوکباب  
بهروز مهرآبادی

صفحات ۵-۴

## پرونده هسته ای، پرونده

سنگسارها



حمید تقوایی

هفته گذشته نیکالای سرکوزی رئیس  
جمهور فرانسه در سخنرانی اش در کنفرانس  
سفرای این کشور اظهار داشت چنانچه  
مذاکراتی که قرار است ماه آینده با  
جمهوری اسلامی در مورد پرونده هسته ای  
صورت بگیرد به نتیجه معتبری نرسد  
انزوای جمهوری اسلامی بیشتر خواهد شد.  
او همچنین در این سخنرانی به پرونده  
سکینه محمدی آشتیانی اشاره کرد و نجات  
جان او را مسئولیتی برای دولت فرانسه  
دانست. متعاقب این اظهارات برنارد  
کوشنر وزیر امور خارجه فرانسه در نامه ای  
خطاب به خانم کاترین اشتون، مسئول امور  
خارج اتحادیه اروپا خواهان آن شد که  
کشورهای عضو اتحادیه در یک نامه  
مشترک در مورد پرونده سکینه به  
جمهوری اسلامی هشدار بدهند و خواهان  
آزادی سکینه بشوند. او گفت باید به  
مقامات ایران یادآوری کرد که سیاست  
بسته و انزواگرایانه آنان در این مورد هم  
درست مانند پرونده هسته ای، هزینه و  
عواقبی را در بر خواهد داشت.

تا کنون در رابطه با پرونده سکینه  
محمدی آشتیانی دولتها و شخصیت های  
سیاسی و اجتماعی متعددی در کشورهای  
مختلف اظهار نظر کرده و اعتراض و  
مخالفت خود را اعلام داشته اند، اما  
موضعگیری مقامات و شخصیت های  
فرانسوی از دو جنبه ویژه و حائز اهمیت  
است. جنبه اول اینست که دولت فرانسه از  
زبان بالاترین مقامات خود صریحا و رسما

صفحه ۲

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## پرونده هسته ای، ...

در این مورد مخالفت خود را اعلام داشته، خود را در قبال جان سکیینه آشتیانی مسئول اعلام کرده و برای نجات جان او اقدام عملی معینی پیشنهاد و اعلام کرده است. جنبه دوم مطرح کردن این مساله به همراه و در متن پرونده هسته ای جمهوری اسلامی است. و این جنبه به نظر من از لحاظ مطرح شدن راه حل متمدنانه و انسانی پرونده هسته ای، حمایت‌های رژیم از تروریسم اسلامی در منطقه و در جهان، و درکل آنچه در زبان دیپلماسی بین المللی "مساله ایران" نامیده میشود، حائز اهمیت و قابل تامل بیشتری است. اکنون از زبان دولت‌ها و مقامات و شخصیت‌های سرشناس غربی جنایت‌های رژیم هم دارد بعنوان جزئی از مساله ایران مطرح میشود. و این یک دستاورد مهم کمپین جهانی ما علیه سنگسار است.

پرونده هسته ای را دولت‌های غربی باز کرده اند. روشن است که این دولت‌ها در چارچوب سیاست خارجی و اهداف و منافع خودشان با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی مخالفت میکنند. راه حل آنها تا کنون رام کردن جمهوری اسلامی از طریق مذاکره، تحریم اقتصادی و تهدید حمله نظامی بوده است. مخالفت آنها با تروریسم اسلامی نیز از اعتراض به دخالت‌گرهای جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه و حمایت آن از حماس و حزب الله یا شیعیان عراق فراتر نرفته است. اما دولت‌ها نماینده و منعکس کننده اعتراض و خواست مردم دنیا در قبال "مساله ایران" نیستند.

تا آنجا که به پرونده اتمی مربوط میشود برای مردم دنیا مخالفت با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی جزئی از اعتراض جهانی به سلاح‌های هسته ای در کل دنیا است. نه جمهوری اسلامی و نه هیچ کشور دیگری نباید به سلاح‌های هسته مجهز شوند و دولت‌هایی که هم اکنون به این سلاح مجهزند باید خلع سلاح بشوند. به کابوس اتمی باید پایان داد و تنها جنبشی میتوانند در برابر پروژه هسته ای جمهوری اسلامی بایستد و موفق شود که با سلاح‌های هسته ای در تمام دنیا به

از صفحه ۱

مخالفت بر خیزد. از سوی دیگر پروژه هسته ای جمهوری اسلامی جزئی از قدرتمانی تروریسم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی است. جمهوری اسلامی ستون فقرات جنبش اسلامی است و مجهز شدن آن به سلاح هسته ای کل اسلام سیاسی در سراسر دنیا را در یک موقعیت قویتر و تعرضی تری قرار میدهد. از این زاویه نیز مقابله موثر و موفق با خطر اتمی شدن رژیم اسلامی تنها با مبارزه همه جانبه و ریشه ای با نیروها و دولت‌های اسلامی و بخصوص مشخصا با مبارزه برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی امکان پذیر است. پرونده اتمی جمهوری اسلامی با بستن پرونده کل این رژیم بسته خواهد شد و این امری است که تنها با تشدید و تعمیق مبارزات مردم ایران و با حمایت مردم دنیا از این مبارزات قابل حصول است.

مساله تروریسم اسلامی نیز برای مردم ایران و جهان ابعادی بمراتب فراتر از دخالت‌گرهای منطقه ای رژیم اسلامی ایران در کشورهای منطقه و یا بمب گذاری در کشورهای دیگر دارد. تروریسم اسلامی قبل از هر چیز به معنای جنایات نیروها و دولت‌های اسلامی و در راس همه آنها جمهوری اسلامی علیه توده مردم در ایران و دیگر کشورهای اسلام زده است. تروریسم جمهوری اسلامی یعنی قصاص و شلاق و سنگسار و اعدام، یعنی بی حقوقی مفرط زنان و اعمال بدترین تحقیرها و توهین‌ها و انکار هویت انسانی نیمی از جامعه به شکل رسمی و قانونی، جمهوری اسلامی یعنی فقر و محرومیت و گرانی و بیکاری مزمن و نهادینه شده، یعنی سلطه یک اقلیت مفتخور مالیتی میلیاردر بر جامعه ای که بیش از هشتاد درصد آن بزیر خط فقر رانده شده و از ابتدائی ترین مایحتاج زندگی محروم است. این کیفر خواست مردم ایران و جهان علیه تروریسم اسلامی و علیه جمهوری اسلامی است. امروز کارزار جهانی علیه سنگسار و برای نجات سکیینه این چهره جنایتکارانه جمهوری اسلامی و کلا جنبش اسلام سیاسی را در سطح وسیع و بیسابقه ای در

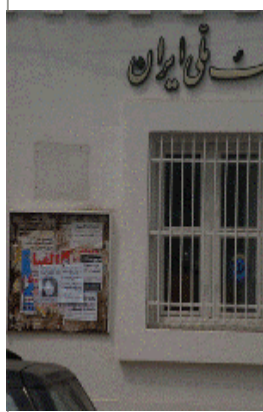
برابر چشم جهانیان قرار داده است و به این معنا راه حل انسانی مساله ایران را به جلوی صحنه رانده است.

پرونده سنگسارها را مردم جهان باز کرده اند. اعتراض به سنگسار و حکومت سنگسار حرکت جهان متمدن هم در مقابل جنبش بغایت ارتجاعی و ضد انسانی اسلام سیاسی و هم در اعتراض به مماشات جوئی دولت‌های غربی با نیروها و دولت‌های اسلامی و در راس آنها با جمهوری اسلامی است. هدف این حرکت نیز نه سر به راه کردن جمهوری اسلامی بلکه بزیر کشیدن آن است. مردم ایران خواست روشنی را در برابر دولت‌ها قرار میدهند: جمهوری اسلامی را برسمیت نشناسید. سفارتخانه‌ها آنرا ببندید و روابط دیپلماتیک خود را با این حکومت جنایتکار قطع کنید. مردم دنیا، همانطور که در بیانیه حرکت صد شهر جهان علیه سنگسار در ۲۸ اوت اعلام کردند، از این خواست بر حق ایران حمایت میکنند.

کارزار جهانی علیه سنگسار در عین حال راه حل مساله هسته ای جمهوری اسلامی را نیز نشان میدهد. راه حل انسانی متمدنانه و عملی آنرا، برسمیت نشناسی جمهوری اسلامی و قطع رابطه دیپلماتیک با این حکومت و بستن سفارتخانه‌های آن به سرعت به سرنگونی این حکومت بقدرت مبارزات مردم ایران منجر خواهد شد و مساله پرونده هسته ای و تروریسم اسلامی در منطقه و در جهان رابه شکلی پایدار و پایه ای حل خواهد کرد. این راه حل را میتوان و باید به دولت‌های غربی تحمیل کرد. کارزار جهانی علیه سنگسار گفتمان سیاسی علیه جمهوری اسلامی و کل فضای اعتراضی علیه این حکومت را در سطح دنیا به نفع مردم و راه‌های انسانی خلاصی از شر جمهوری اسلامی تغییر داده است. باید این فشار خیابان بر کزیدوهای دیپلماسی را بمراتب تشدید کرد و تا رسیدن به هدف طرد سیاسی جمهوری اسلامی به پیش برد. موضع گیری اخیر دولت فرانسه و دیگر دولت‌ها- آخرین خبر اینست که دولت ایتالیا نیز خواستار آزادی سکیینه شده و اعلام کرده است عکس

## دانشجویان کمونیست رشت در پاسخ به فراخوان تظاهرات علیه سنگسار!

جمعی از دانشجویان کمونیست شهر رشت اعلامیه ای را علیه سنگسار و اعدام در نقاط مختلف شهر رشت نصب کردند و بدین طریق شهر رشت نیز به همت این رفقا به ۱۱۱ شهر دیگر در سراسر جهان که در روز ۲۸ اوت به استقبال تظاهرات علیه سنگسار و برای نجات سکیینه رفتند، اضافه شد. دست این رفقا را



جمهور حکومت سنگسار در این اجلاس در نیمه سپتامبر شرکت کند. میتوان و باید از همه دولت‌ها بویژه دولت‌هایی که تا کنون در رابطه با مساله سنگسار سکیینه محمدی به جمهوری اسلامی اعتراض کرده اند- برزیل، آمریکا، نروژ، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و...- خواست که به شرکت احمدی نژاد در اجلاس سازمان ملل اعتراض کنند و خواهان جلوگیری از ورود او به سازمان ملل شوند. محکوم کردن جنایات جمهوری اسلامی، و تحریم سیاسی این حکومت سنگسار و اعدام راه حل واقعی مساله ایران و حتی پروژه هسته ای است. این را دنیا فریاد میزند، دولت‌ها را باید وادار کرد این فریاد را بشنوند.\*

بزرگ او را تا زمان آزادی وی بر سر در وزارتخانه "فرستهای برابر" در رم به نمایش خواهد گذاشت- انعکاسی از این فشار است. ما- حزب، کمیته بین المللی علیه سنگسار و اعدام و دیگر فعالین و سازماندهندگان کمپین علیه سنگسار- باید با اتکا به حرکت اعتراضی مردم جهان دولت‌ها را تحت فشار قرار دهیم و این بار نه تنها از قول مردم ایران بلکه از قول بیش از صد شهر جهان از دولت‌ها بخواهیم که با جمهوری اسلامی همانطور رفتار کنند که جهان با آفریقای جنوبی در زمان حکومت آپارتاید کرد. اولین اقدام در این جهت آفریقای جنوبیزه کردن جمهوری اسلامی ممانعت از شرکت احمدی نژاد در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل است. قرار است رئیس

## زنده باد سوسیالیسم!

## بیانیه حزب کمونیست ...

اما اکنون وضع بقدری وخیم است که تامین يك بخور و نمیر حتی با شرایطی برده وارتر از گذشته برای بسیاری ممکن نیست. بیکاری بویژه در بین جوانان پیداد میکند، بخش های هرچه بیشتری از شاغلین شغل خود را از دست میدهند و آنها که بر سر کارند از ترس بیکاری به ناگزیر به شرایط بدتر تن میدهند. بعد از اقدامات جمهوری اسلامی در حذف یارانه ها و افزایش قیمت کالاهای اساسی و بخصوص در پی تحریم های اقتصادی ماههای اخیر جامعه در حالت فروپاشی اقتصادی و فلاکت عمومی قرار گرفته و تامین معاش به اولین مساله اکثریت عظیم مردم ایران تبدیل شده است. با توجه به بحران و بن بست و انزوای همه جانبه جمهوری اسلامی در داخل و در سطح جهانی، اوضاع اقتصادی از اینهم بدتر خواهد شد و بسوی يك فاجعه تمام

## از صفحه ۱

عیار برای مردم ایران حرکت میکند. اما این وضع علاوه بر نگرانی عمیق مردم و دست و پنجه نرم کردن هر روزه با فقر و فلاکت، به اعتراضات پراکنده اما وسیع و روبه تزاید در محیط کار و محلات و به فضای نارضایتی شدید عمومی دامن زده است. فلاکت اقتصادی بی سابقه فعلی بر متن بن بست ها و بی افقی جمهوری اسلامی و در اوضاع انقلابی جامعه ایران زمینه های گسترش اعتراضات وسیع و سراسری در بین اقشار مختلف طبقه کارگر و توده های محروم شهری را فراهم کرده است. در واقع راه مقابله فوری و موثر با فلاکت اقتصادی فعلی نیز همانا گسترش این اعتراضات و شکل گیری قدرت متحد و متشکل کارگران و توده های مردم در برابر افزایش قیمتها، فقدان مایحتاج، بیکارسازنها و هرگونه تهاجم به

معیشت و زندگی مردم، و عقب راندن حکومت جنایتکار و پوسیده ای است که برای بقا، خود جامعه را به نابودی میکشاند. حتی يك لحظه نیز نباید به جمهوری اسلامی اجازه داد که به بهانه تحریم خارجی با نظیر آن خود را از تیغ اعتراض مردم به در برد. اوضاع فلاکتبار کنونی تاکید مجددی است براینکه شرط فوری هرگونه بهبود جدی در اوضاع اقتصادی کارگران و مردم ایران رهایی جامعه از بختک جمهوری اسلامی و حکومت آیت الله های میلیاردر است. باید همه اعتراضات و مبارزات پراکنده علیه گرانی و بیکاری و فقر را حول شعار سراسری "زندگی انسانی حق مسلم ماست" متحد کرد و آترو مبنای به میدان آوردن نیروی قهرتمند و تا به آخر انقلابی قرار داد تا با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه آزاد، برابر، مرفه و انسانی وظایف انقلاب ناتمام ایران را به انجام برساند.

## اعتراضات گسترده کارگران به ندادن دستمزدها ادامه دارد!

## کارخانه کیان تابر:

کارگران کارخانه لاستیک سازی کیان تابر برای چندمین بار در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود دست به اعتصاب زدند و با بستن درب انبارها مانع خروج لاستیک از کارخانه شدند! کارفرمای این مجتمع تولیدی درمقابل اعتراضات ممتد کارگران به عدم پرداخت دستمزدهایشان اعلام کرد که در آغاز، دستمزد هائی را که میزان آن حدود سیصد هزار تومان است پرداخت خواهد کرد. درعین حال کارفرما عمدا از تامین مواد اولیه و تعمیر دستگاههای خط تولید کارخانه خودداری میکند تا به بهانه عدم تولید کافی از پرداخت دستمزد کارگران طفره برد. این تمهیدات بیشمردانه، خشم کارگران را بشدت برانگیخته است.

کارگران خشمگین از روز پنجشنبه ۲۷ مرداد با تجمع در محوطه کارخانه و مسدود کردن درب انبارها، مانع خروج لاستیک از کارخانه شدند! در جلسه ای که روز شنبه ۳۰ مرداد ماه، با حضور نمایندگان کارگران و کارفرما در محل بخشداری چهاردانگه، برگزار شد، نماینده کارفرما با بیشمری اعلام کرد که کارخانه پولی برای پرداخت دستمزد کارگران ندارد و قولی هم در این باره نمیتواند بدهد. کارگران نیز ضمن اعتراض به بی مبالائی کارفرما، بر خواسته های خود یعنی پرداخت فوری دستمزدها، مزایا و بن های پرداخت نشده پافشاری کردند.

نماینده کارفرما تهدید کرد که چنانچه کارگران روز ۳۱ مرداد درب انبارها را برای خروج لاستیک باز نکنند، با دخالت مامورین انتظامی حکومت روبرو خواهند شد و خودشان اقدام به باز کردن درب انبارها خواهند کرد. جلسه نمایندگان کارگران و کارفرما بدون نتیجه پایان یافت. کارگران کیان تابر اعلام کرده اند تا رسیدن به خواسته هایشان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

## مجتمع فولاد هرمزگان

بیش از سیصد کارگر مجتمع فولاد البرز هرمزگان سه ماه است بدون دستمزد ماندند. کارگران ازاوول شهریور ماه در اعتراض به این مساله دست به تجمع زدند. در نتیجه فشار و اعتراض کارگران مسئولان شرکت وعده داده اند که تا دو هفته دیگر طلب کارگران را پرداخت کنند.

## چینی البرز:

۱۸۰ نفر از کارگران چینی البرز نزدیک به یکسال است دستمزدی دریافت نکرده اند! کارگران معترض و خشمگین در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود روز دوم شهریور ماه در برابر این شرکت دست به تجمع زدند. کارگران چینی البرز بارها با برپایی تجمع اعتراضی به عدم پرداخت دستمزدهایشان اعتراض کرده اند.

## آجر یزی سازمانیه پاکدشت کرج:

کارگران کارخانه آجر ماشینی سازمانیه پاکدشت دو ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند. کارگران با بستن جاده دست به اعتراض زدند! روز شنبه ۳۰ مرداد کارگران با برپا کردن تجمع اعتراضی، جاده خاوران را بمدت یکساعت و نیم بستند! در پی ایجاد ترافیک سنگین، نیروی انتظامی خود را به محل رساند و با تهدید کارگران اقدام به باز کردن راه نمود. برای ممانعت از گسترده تر شدن دامنه اعتراضات اعلام گردید که درب کارخانه را پلمپ کرده و کارخانه بفروش گذاشته خواهد شد. کارگران خشمگین اعلام کردند تا رسیدن به خواسته های خود و دریافت تمامی طلبهایشان همچنان به مبارزه ادامه خواهند داد!

روز اول شهریور ماه، مجددا کارگران از ساعت ۹ صبح در مقابل کارخانه تجمع کردند و سپس در برابر اداره کار پاکدشت دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران کارخانه آجر ماشینی سازمانیه در ادامه، روز ۴ شهریورماه دست به تجمع زدند.

## شهرداری منطقه یک آبادان:

کارگران شهرداری منطقه یک آبادان روز دوم شهریورماه در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه حق بیمه و دستمزدهای خود، اقدام به تجمع اعتراضی کردند. سرپرست شهرداری

حزب کمونیست کارگری همه رهبران و فعالین کارگری، معلمان، پرستاران، همه دانشجویان و همه زنان و مردان آزاده را فرامیخواند تا شکل دهی به صف قدرتمند واحد و سراسری در مبارزه علیه گرانی و بیکاری و فلاکت را در صدر فعالیت های خود قرار دهند. سازماندهی و هدایت هر اعتراض محلی علیه گرانی و علیه نبود مایحتاج زندگی، هر اقدام متحد مردم در نپرداختن قبوض دولتی و مقابله با فشارهای دولت، هر اعتصاب برای نقد کردن دستمزدها و افزایش دستمزدها، هر اعتراض علیه اخراج و بیکاری و برای گرفتن بیمه بیکاری برای مقابله موثر با فلاکت حائز اهمیت بسیار است و باید به سیل خروشان مردم انقلابی در دفاع از زندگی انسانی و برای به گور سپاردن جمهوری اسلامی متصل شود. در این میان بویژه طبقه کارگر که قربانی اصلی فلاکت فعلی و مناسبات برده

آبادان با حواله دادن کارگران به پیمانکاری ادعا می کند که حق بیمه چهار ماهه کارگران که میزان آن ۴ میلیارد ریال است به عهده پیمانکاری است. با این سیاست فریبکارانه، کارگران بین شهرداری و پیمانکاری دست به سر میشوند. تحت فشار اعتراض ممتد کارگران، شهرداری آبادان پذیرفت که ۲۹۰ میلیون ریال یعنی بخش کوچکی از دستمزدهای عقب افتاده را بپردازد. همچنین با فشار اعتراضات کارگران، شهرداری آبادان مجبور شد در اواسط مرداد ماه دستمزدهای پرداخت نشده کارگران را تا پایان خرداد ماه پرداخت کند. کارگران شهرداری آبادان خواهان پرداخت تمامی طلبهای خود و افزایش دستمزد ماهانه به میزان يك میلیون تومان در ماه هستند.

عدم پرداخت دستمزد، يك جنایت آشکار در حق کارگران است. به گرو گرفتن زندگی کارگران، و تحمیل معیشت اسفبار به خانواده های کارگری و از هم پاشیدن شیرازه زندگی

وار حاکم است، میتواند و باید با اعتصابات و اقدامات سراسری توده های عظیم، مردم را پشت سر خود متحد کند و به جمهوری اسلامی مستاصل اجازه ندهد تا بهمراه خود جامعه را بیش از این به قهقرا سوق دهد. فلاکت فعلی بطور عینی و به معنای دقیق کلمه جامعه ایران را بر سر دوراهی "بربریت یا سوسیالیسم" قرار داده است. اکنون زمان آن است تا طبقه کارگر پیشاپیش مردم ایران بعنوان نماینده سوسیالیسم و رهایی انسان در برابر بربریت جمهوری اسلامی و سرمایه داری قد برافرازد.

زندگی انسانی حق مسلم ماست! سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی! حزب کمونیست کارگری ایران ۹ شهریور ۱۳۸۹، ۳۱ اوت ۲۰۱۰

خانواده های کارگری است. کارگران و خانواده های آنان قربانی کثیف ترین سیاستهای ضد بشری سرمایه داران هستند. این وضعیت نباید ادامه یابد.

مبارزات گسترده ای در مراکز مختلف علیه ندادن دستمزدها جریان دارد. متحد کردن این مبارزات در مقیاس چند کارخانه و یا یک شهر و یا در سطح سراسری، راه عقب راندن جمهوری اسلامی و اقلیت مفتخور سرمایه داران است. افزایش فوری دستمزد کارگران به میزان حداقل يك میلیون تومان و پرداخت بیمه مکفی به کارگران بیکار خواست فوری و بحق کارگران است و تنها با مبارزه متحد و یکپارچه میتوان به کارفرماها و دولت اسلامی آنها تحمیل کرد.

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران حزب کمونیست کارگری ایران ۸ شهریور ۱۳۸۹، ۳۰ اوت ۲۰۱۰

## انجمن مارکس کانادا بر گزار میکند: لنین، آزادی و تجربه شوروی، سخنران: حمید تقوایی

موضوع: لنین، آزادی و تجربه شوروی

سخنران: حمید تقوایی

زمان: یکشنبه ۵ سپتامبر ۲۰۱۰، ۱ تا ۶ بعد از ظهر

مکان: تورنتو 5100 Younge St. North York Civic Centre Committee Room: 3

مسئول انجمن مارکس کانادا: محسن ابراهیمی - ۳۰ اگوست ۲۰۱۰

## بازتاب هفته

### روز قدس و نگرانیهای عسگراولادی از نزاعها



هادی وقفی

خاتمی مدعی می شود که مسئله قدس يك موضوع بشری است و همگان را فرا می خواند تا یکبار دیگر به سیاهی لشکر خامنه ای تبدیل شوند تا مبادا شعارهای خارج از کنترل سر داده شود و مبادا تمامیت نظام عزیزشان زیر سؤال برود. موسوی و کروبی هم همین فراخوان را می دهند و خامنه ای و احمدی نژاد هم. این دار و دسته ها البته بشیوه خودشان به استقبال روز قدس رفتند. خامنه ای که در طول یکسال گذشته در سلاخی و سرکوب مردم از هیچ جنایتی فروگذار نکرده است، چند روز پیش جناح های لبخند پدانه ای زده باشد و بخیال خودش بتواند آبروی از دست رفته اش را ترمیم کند. آبرویی که دیگر مانند خود رژیم اسلامی ترمیم شدنی نیست. "حبیب الله عسگراولادی"، حاج آقا سرمایه دار مومن حکومتی که در طول سی سال گذشته از رهگذر نزدیکی به سیاسیون به ثروت کلان و بیکرانی دست یافته است، بعنوان دبیرکل "جبهه نیروهای پیرو خط امام و رهبری" مأمور شده است که باصطلاح دغدغه های اصلاح طلبان و احمدی نژاد و دار و دسته اصولگرا را برای رسیدن به اتحاد به اطلاع همدیگر برساند. او در گفتگوی حضوری اش با احمدی نژاد به مسائل مختلفی اشاره کرد. به اینکه اختلاف اینبار در خیمه اصولگرایان افتاده است. اینکه اصولگرایی که يك طرف آن احمدی نژاد باشد و طرف دیگرش هاشمی رفسنجانی، مطلوب نیست و دست آخر اینکه؛ "ما از صدر انقلاب چند نمونه از اختلاف سلیقه خواص را شاهد بوده ایم و این مسئله جدیدی نیست، اما آنچه مردم را نگران می کند، رسانه ای کردن اختلاف سالیق در میان خواص است که موجب شاد شدن دشمن می شود".

عسگراولادی کاملاً راست می گوید. این جانین سی سال است که بر سر شیوه های مختلف غارت و چپاول و کشتار و سرکوب مردم با یکدیگر اختلاف سلیقه دارند. سی سال است که هر کدامشان که بقدرت می رسند، به شیوه خود شروع می

کنند به دزدی و جنایت و بالا کشیدن حاصل کار و زحمت مردم بطریق اسلامی. سی سال است که مخالفان فکری خود را در سیاهچالهای بنام و بی نام خود اعدام و شکنجه می کنند و سی سال است که فقر و فلاکت و بدبختی را بر مردم تحمیل کرده اند. سی سال است که به بهانه دفاع از مردم فلسطین، پولهای مردم را صرف صدور تروریسم اسلامی می کنند و تحت همین بهانه هم ثروتهای کلان به جیب می زنند. سی سال است که جوانان را اسیر فرهنگ بیمار و فاسد اسلامی خود کرده اند و بیش از نیمی از جمعیت آن جامعه را بعنوان زن از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم کرده اند. و باید هم بر سر اینها اختلاف سلیقه داشته باشند. اختلاف سلیقه دارند چون با مردمی طرف هستند که دیگر افکار بیمار و مالیخولیایی اینها را قبول ندارد. این همه تشدت و تناقضات غیرقابل حل، ناشی از فشار همین مردم است. مردمی که انتظاراتشان از زندگی روزبروز فراتر رفته و هم اکنون هم حداقل یکسال است که روند سرنگونی این رژیم را به تجربه نشسته اند. مردمی که دیگر اینها را نمی خواهند - و همچنانکه حبیب الله عسگراولادی می گوید - با "رسانه ای" شدن جنایتکاریها و دزدی های حکومت همه چیز را به عینه دیده اند و در حافظه خود ثبت کرده اند. عسگراولادی و بسیاری دیگر در میان اصولگرایان و اصلاح طلبان که در پی ریزی پایه های مذهبی کثیف این حکومت نقش داشته اند، در واقع، از همین امر نگران هستند. می دانند که پایان کارشان نزدیک شده و زمان برای جمهوری اسلامی بسر آمده است. مردم ایران در هر مناسبت و بهانه ای دست بکار بزیر کشیدن حکومت اسلامی هستند. مبارزه و کشاکش میان جناح های رژیم بخودشان مربوط است. تا آنجا که به مردم برمی گردد، مردم منتظر بهانه اند و از هر روزی که بتوانند بشکل توده ای و وسیع به خیابان بیایند، استفاده می کنند تا یکبار دیگر حکومت جهل و خرافه، حکومت فقر و محرومیت و اعدام و سنگسار را به مصاف بطلبند. باید منتظر ماند و دید که روز قدس و روزها و مناسبت های آینده قرار

است چه به روز حاکمیت سیاه اسلامی بیاورد. چرندیات عسگراولادی و تمام رده های بالا و پایین جنایتکار این رژیم برای باصطلاح رسیدن به اتحاد خواب و خیالی بیش نیست. خواب و خیالی که تازه در صورت تحقق هم، دردی از حیران ها و تناقضات غیرقابل حل این رژیم درمان نخواهد کرد.\*

### وقتی که دیوها مرز دیپلماسی را در مینور دهند!

یاشار سهندی

روزنامه کیهان در روز شنبه (۶ شهریور) يك بار دیگر چهره قبیح و زشت خود را به جهانیان نشان داد. این نیز یکی از دستاوردهای کمپین علیه سنگسار سکینه محمدی آشتیانی و بخصوص حرکت جهانی روز ۲۸ اوت بود که در ۱۱۱ شهر جهان در يك اقدام واحد بشریت متملن عملاً پا به صحنه گذاشت و این ضربه سنگینی برجنبشی بود که یکی از کثیف ترین سخنگویانش حسین شریعتمداری است. این روزنامه در عکس العمل به این حرکت انسانی چهره ضد انسانی خود را به جهانیان نشان داد. روزنامه کیهان در روز سه شنبه هتاکي و تهدید خود را ادامه داد و زیر عنوان: "فواحش وارد داد و قال حقوق بشر شدند" هر چه از مغز بیمار و پریشان و متعفن امثال شریعتمداری و بیت رهبری (ایشان نماینده مستقیم خامنه ای است) انتظار می رود، بیرون ریخت و خطاب به جهانیان نوشت: "غیرتري شدن ناگهانی این فاحشه ایتالیایی (کارلا برونی، همسر سرکوزی رئیس جمهور فرانسه) در قبال خبر کیهان در حالی است که وی قبل و بعد از ازدواج با سرکوزی دارای روابط نامشروع با افراد گوناگون بوده و خود نیز با ورود به زندگی سرکوزی و يك سال ارتباط پنهانی با وی، باعث پاشیدن خانواده رئیس جمهور فرانسه و طلاق گرفتن همسر دوم سرکوزی شده است" و جالب است که ایشان کارلا برونی را هم مستحق مرگ دانسته است! این اولین بار نیست که این باتلاق متعفن، لجن به بیرون پرتاب میکند.

سیاست رسمی این روزنامه با مدیریت حسین شریعتمداری تماماً همین بوده است. اما وقتی روزنامه رسمی حکومتی و رسماً وابسته به رهبر حکومت، دست به فحاشی به همسر رئیس جمهور يك کشور دیگر میزند و تمام قوانین اولیه دیپلماتيك را زیر پا میگذارد، میتوان زخم عمیقی را که حکومت از جنبش علیه سنگسار خورده است و خشم سران جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای از جنبش نجات سکینه را کاملاً احساس کرد. مخصوصاً که فرانسه تا همین چندی پیش دارای مراوات نزدیکی با جمهوری اسلامی بوده است و هنوز هم روابط اقتصادی قابل توجهی با ایران دارد. سالیان درازی است که شریعتمداری شخصیتهای سیاسی و ادبی و هنری و هر کس که به زعم ایشان در "خط رهبری" نباشد را با همین الفاظ یاد میکنند. نوشته های "حسین بازجو" (لقب شریعتمداری؛ او زمانی بازجو و شکنجه گر بوده است و که هم اکنون هم در واقع بازجوی جمهوری اسلامی است، کارش در روزنامه کیهان ادامه همان کارمیباشد) هر گاه منتشر میشد زمینه ساز برنامه تدارک دیده شده ای بود تا طرفی که طعمه ایشان شده بود را بطور فیزیکی از میان بردارند. ایشان یار غار سعید امامی این قاتل بنام جمهوری اسلامی بود. ایشان با هم فکری و پشتکاری که داشتند پروژه هایی مانند: پرتاب اتوبوس نویسندگان به دره، ربودن نویسندگان، قتل نویسندگان سرشناس، قتل هم کیشان که تاریخ مصرف شان به پایان رسیده بود، تهدید و طمع کارگزاران سینما برای همکاری، سازمان دهی حزب الله مانند ده نمکی در دهه هفتاد برای حمله به مردم کوچه و بازار و طرحهای بسیار دیگری را سازمان داده است. سعید امامی را هم بعد از قتلهای معروف به قتلهای زنجیره ای مجبور شدند چیز خورش کنند و از میان بردارند. این دو در کنار هم پروژه های زیادی از قتل و ترور شخصیتها را به پیش بردند. خوب به خاطر دارم يك یا دو هفته قبل از اینکه فریدون فرخزاد به آن طرز فجیع به قتل برسد این روزنامه درمطلبی با همین سبک و سیاق که

## بازتاب هفته

### جمهوری اسلامی و پروژه انتقال گاز "ناباکو"



بهروز مهر آبادی

هفته گذشته بیانیه کشورهای سهامدار خط لوله انتقال گاز ناباکو منتشر گردید. در این بیانیه خبر احداث دو خط لوله انتقال گاز از گرجستان و عراق به ترکیه اعلام شد و ایران رسماً بعنوان یک منبع تامین گاز این پروژه بزرگ کنار گذاشته شد. این پروژه از نظر سیاسی و اقتصادی برای دولت های اروپائی و دولت هایی که مسیر خط لوله از کشورهای آنها می گذرد، اهمیت زیادی دارد. قرارداد این پروژه در اواخر تیرماه بین نخست وزیر های کشورهای بلغارستان، مجارستان، رومانی، اتریش و ترکیه به امضا رسید. این پروژه از ارزوم ترکیه آغاز شده و با عبور از کشورهای بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش به مرکز اروپا می رسد. دو خط لوله فرعی گاز گرجستان و عراق را به خط لوله اصلی منتقل می سازد. پیش بینی شده که این پروژه در سال ۲۰۱۴ به مرحله بهره برداری برسد و می تواند سالانه بیش از ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز مصرفی اروپای مرکزی را تامین نماید.

دولت جمهوری اسلامی به پشتوانه منابع عظیم گاز ایران تلاش زیادی کرد تا بعنوان یکی از منابع تغذیه پروژه ناباکو خط لوله سوم را احداث کند اما در این مرحله با شکست روبرو شد. یک سال قبل مقامات رژیم ایران خبر از پروژه احداث خط لوله نهم سراسری به طول ۱۹۰۰ کیلومتر دادند. قرار بود این خط لوله گاز میدان گازی پارس جنوبی را از عسلویه به مرز ترکیه و به خط لوله اصلی ناباکو منتقل کند. در همین رابطه دولت ایران مذاکراتی را برای فروش گاز با دولت های اتریش،

سوئیس، ایتالیا و آلمان انجام داد. اما با وجود تلاش های دولت ایران و حمایت های دولت ترکیه، مخالفت آمریکا و اتحادیه اروپا مانع دخالت ایران در این پروژه شد. در حال حاضر یک خط لوله به طول ۲۵۰۰ کیلومتر گاز ترکمنستان را از طریق ایران به ترکیه انتقال می دهد که بخاطر ضعف تکنولوژی و بروز انفجار های متعدد در این خط لوله در مرز ایران و ترکیه بارها انتقال گاز را قطع کرده است. با آغاز بهره برداری از خط لوله ناباکو ترکیه از این خط لوله بی نیاز می شود. علاوه بر آن مراحل بعدی پروژه ناباکو در نظر دارد گاز کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را از طریق گرجستان، دریای سیاه و ترکیه به اروپا انتقال دهد و اگر عمر رژیم اسلامی ایران تکافو کند، این می تواند در روابط حسنه امروز دولتهای ایران و ترکیه تاثیر جدی داشته باشد. یک هدف پروژه ناباکو کم کردن وابستگی اروپای مرکزی به منابع انرژی روسیه است. در حال حاضر روسیه صادر کننده اصلی گاز طبیعی به اتحادیه اروپا است و در عین حال پروژه احداث یک خط لوله دیگر از طریق دریای بالتیک را در دست انجام دارد که گاز را مستقیماً به کشورهای اروپائی می رساند و ظرفیت صدور بیش از ۶۰ میلیارد متر مکعب گاز را در سال دارد. با این ملاحظه دولت روسیه هم از اینکه رژیم ایران از صدور گاز به اروپا محروم شده، باید خشنود باشد.

در حال حاضر گاز بعنوان یکی از منابع اصلی تامین انرژی در سطح جهان مورد توجه زیادی قرار گرفته است. پروژه های بزرگ انتقال گاز از طرف دولتها و کمپانی های نفتی در جریان مذاکره و یا در دست اجرا است. چین نیز همزمان یک پروژه بزرگ برای انتقال گاز از آسیای مرکزی به چین را آغاز کرده است. آمریکا و اتحادیه اروپا ممانعت از صدور گاز را ابزاری برای مطیع ساختن حکومت اسلامی ایران در نظر گرفته اند. در ایران سرمایه گذاری در این بخش کاملاً متوقف شده است. دهها هزار کارگر بیکار شده اند و تاسیسات احداث شده برای

صنعت گاز بحال خود رها شده است. حکومت ایران حتی قادر به تامین گاز بازار داخلی خود هم نیست. اما فشار اقتصادی این وضعیت و فقر و فلاکت روزافزونی که به زندگی میلیون ها نفر تحمیل می کند، انکار ناپذیر است. بیرون رانده شدن از بازار تولید و صدور گاز یک شکست سیاسی و اقتصادی به رژیم حاکم بر ایران است. ولی کارنامه ۳۱ ساله حکومت اسلامی نشان داده است که این حربه شاید آن را در مقابل غرب اهلی و رام کند اما از توحش این رژیم در مقابل مردم ایران کم نخواهد کرد. استثمار و بی حقوقی، سرکوب و اختناق، آبارتاید جنسی و قوانین ارتجاعی اسلامی فقط با سرنگونی این حکومت توسط مردم می تواند از جامعه ایران برچیده شود.\*

### وقاحت امام جمعه و قیمت چلوکباب

بهروز مهر آبادی

امام جمعه مشهد در خطبه نماز جمعه درباره گرانی گفت: "گرانی در حد متعادل است". ایشان در ادامه صحبت خود قیمت چلوکباب برگ را مثال زد که زیاد بالا نرفته است. طبیعی است که آخوند و آیت اله مثال دیگری بنظرش نرسد. احتمالاً چلوکباب برگ عادی ترین کالای مورد مصرف ایشان است. اما اگر از دیدگاه مردم عادی جامعه به مسئله نگاه کنیم چیز دیگری خواهیم دید و گفت. کافی است که فقط چند مورد زیر را نام ببریم: قیمت نان که کالای اصلی مورد مصرف مردم است در یکسال اخیر دو برابر شده است. پیش بینی شده است اگر رژیم اسلامی باقی بماند، قیمت آرد از کیلویی ۷۵ ریال را یانه ای بزودی به کیلویی بیش از ۳۰۰ تومان یعنی نزدیک به ۴۰ برابر می رسد و در آینده ای نزدیک قیمت نان حداقل ده برابر خواهد شد. به گزارش مرکز آمار اجاره مسکن در تهران نسبت به سال قبل بیش از ۲۱ درصد بالا رفته و قیمت واحد های مسکونی نزدیک به ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است. اجاره و یا قیمت مسکن در تهران و بیشتر شهر های ایران برابر با اروپا و در مواردی بیشتر از آن است. بنابه گزارش خبرگزاری فارس در روز ۱۰ مرداد

قیمت گوشت مرغ فقط در عرض یک ماه بیش از ۱۳ درصد افزایش یافته است و بنا به همین گزارش قیمت گوشت سفید و قرمز در عرض یک سال بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است. قیمت گوشت در سطحی نزدیک به اروپا است. قیمت برنج در ایران نسبت به سال گذشته افزایش فاحشی داشته و بیشتر از قیمت آن در کشورهای اروپایی است. قیمت اقلامی نظیر سیب زمینی و پیاز در سطح قیمت های اروپا است. قیمت پوشاک هم کمتر از قیمت پوشاک در اروپا نیست. ارزانترین کالا در مقایسه با کشورهای اروپایی بنزین است. که نسبت به سال قبل افزایش پیدا کرده و حکومت اسلامی نوید چند برابر شدن قیمت آن را در آینده ای نزدیک داده است. این در حالی است که بخش بزرگی از جمعیت ایران بیکار است. بسیاری از کارگران شاغل ماهها است که حقوق نگرفته

اند و یا حقوق ناچیزشان تکافوی یک زندگی "بخور و نمیر" را هم نمی دهد. بسیاری از مردم چند شیفته کار می کنند و اثرات فقر و بد غذایی خود را در بروز انواع بیماری های ناشی از کم غذایی بویژه در بین کودکان نشان داده است. قیمت بسیاری از کالا ها با قیمت کالاها در اروپای غربی برابری می کند، در صورتیکه درآمد اکثریت مزد بگیران کمتر از یک چهارم دستمزد کارگران در اروپا است. برای آیت اله میلیاردر و مفتخور نظیر سید احمد علم الهدی ممکن است گرانی در حد متعادل باشد اما چیزی که متعادل نیست وقاحت و بیشرمی این امام جمعه مشهد است که در مقابل میلیون ها انسانی که جمهوری اسلامی آنها را به فقر و فلاکت کشانده چنین اظهار نظرهایی می کند.\*

### وقتی که دیوها مرز دیپلماسی را ... از صفحه ۴

دولت فرانسه از گفتار این جرثومه گنداب جمهوری اسلامی در آید. زوزه های حسین شریعتمداری زوزه جانور در حال احتضار را میماند. این زوزه ها اگر زمانی در دل مردم ترس میکاشت اکنون نشانه وحشت خود این بانینان وحشت و ترور است. کمپین علیه سنگسار سکینه شیپور آغاز نابودی جنبشی است که سی سال است در جهان وحشت و نفرت می پراکند. برای اینکه این گرداب های نفرت و وحشت خشک گردد و بوی آزار دهند آن بشریت متمن را نیاز دارد باید همچون کمپین علیه سنگسار، جهان را علیه کلیت حکومت توحش اسلامی سرمایه داران بسیج کرد. اکنون جهان شاهد است که مردم ایران اسیر چه جانورانی هستند. عکس العمل شریعتمداری در مقابل این کمپین فقط روز مرگ این جنبش را جلوتر می اندازد و بس.\*

اکنون از خانم برونی یاد میکنند، فرخزاد را مستحق مرگ دانست. یکی از خدمات حسین شریعتمداری هم سناریو نویسی بعد از جنایت است تا نشان دهند که مقتول خود قاتل خویش است! مانند نمونه آخرین آن ندا آقا سلطان که جهان شاهد بود که چگونه قاتل ندا را پشت دوربین صدا و سیما گذاشتند و او اظهار میداشت که یکسال است زندگی ندارد!

تا قبل از کمپین علیه سنگسار سکینه بر اساس تن نسبت فرهنگی در جهان حداکثر برخورد به اینگونه موارد این بود که آنرا رفتار یک گروه "بنیادگرای اسلامی" بدانند که حتماً در داخل پایگاه اجتماعی دارند و "فرهنگ غالب" جامعه را دنبال میکنند و بدین سبب کسی از کارشناسان بورژوازی و یا دولتها عکس العملی را نشان نمی داد. اما این رفتار کیهان باعث شد تا صدای

#### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

#### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

## نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

## ما کمپین آزادی سکینه را ...

از صفحه ۱



سکینه داده شد با انتظارات شما منطبق بود؟

**اصغر کریمی:** روزی که کمپین برای نجات سکینه در دستور ما قرار گرفت، تصور نمیکردیم ابعاد آن اینچنین گسترده شود. تارگت هائی را روشن کرده بودیم و قدم به قدم، سازمان یافته، با نیروی نسبتاً خوب و بسیار متمرکز و فشرده برای آنها کار کردیم اما هربار از تارگتهای تعیین شده بسیار فراتر رفتیم. کار ما در این کمپین تمرکز و هدف بسیار مشخصی دارد یعنی نجات سکینه و علیه سنگسار. اما از این مجزا داریم کل جمهوری اسلامی را میزنیم. ما ضعیف ترین نقطه رژیم یعنی سنگسار را هدف قرار داده ایم و به این معنی این کمپین از نظر ما و در عمل و در نزد جهانیان کمپینی علیه جمهوری اسلامی، برای تضعیف و عقب راندن آن در همه زمینه ها است. داریم جمهوری اسلامی را در انتظار

جهانیان هرچه بیشتر بی آبرو و خوار و خفیف میکنیم، دشمنی اش را با ذات انسان، با زن، با جامعه نشان همه میدهیم. سیستم قضائی اش، قوانین کثیف و ارتجاعی اسلامی اش و بی حقوقی مطلق مردم را نشان دنیا میدهیم و به مردم میگوئیم که چنین رژیمی قابل اصلاح و رام کردن و قابل تحمل نیست و باید سرنگون شود. به این معنی این کمپین بسیار سیاسی است و اهدافی بسیار فراتر از مساله سنگسار دارد. ما در مدت کوتاهی رژیم را در نزد دهها میلیون نفر از مردم جهان، به عنوان رژیم سنگسار و زجر کش کردن انسان و شکنجه و زنده به گور کردن انسانها و بویژه زنانی که تسلیم نمیشوند، تثبیت کردیم و به این معنی توازن قوا را به نفع مردم و به ضرر رژیم تغییر داده ایم. بدنبال این کمپین دیگر موقعیت جمهوری اسلامی به موقعیت سابق برنمیگردد. رابطه مردم جهان با آن عوض شده است. رابطه رسانه ها در سطح جهان با آن عوض شده است. حتی دولتها به راحتی نمیتوانند رابطه سابق را با آن برقرار کنند. رژیم به جای دیگری رفت و ما و مردم هم به جای دیگری رفتیم. در این مدت، مبارزه مردم ایران و راه حل انقلابی برای سرنگونی این حکومت بسیار بیشتر در دل مردم جهان جا باز کرده است. تصویری

ها نیز به موازات این شروع به پوشش فعالیت ما کردند که ابعادی بسیار گسترده داشت. کافی است در گوگل مساله را دنبال کنید دو و نیم میلیون لینک در مورد سکینه پیدا خواهید کرد. تا این لحظه حداقل يك میلیون و دویست هزار نفر تیشین های مختلف را امضا کرده اند، در بیش از صد و ده شهر تظاهرات سازمان داده شده، هزاران نفر به فراخوان های ما جواب داده اند و صدها نهاد و سازمان در این حرکت به ما پیوسته است و بالاخره دولت ها هم که در چهارچوب مساله اتی در کشمکش با جمهوری اسلامی بودند، موضوع دیگری برای زدن جمهوری اسلامی پیدا کردند و در دفاع از سکینه و علیه سنگسار به رقابت با هم پرداخته اند. دولت ایتالیا و چندین شهرداری در این کشور عکس های بزرگ سکینه را از ساختمان های خود آویزان کرده اند. موفقیت ما در هر سه زمینه موفقیت چشمگیر و جهانی بود.

مساله سنگسار را ما به دولتها تحمیل کردیم. مساله اتی که بخشی از کشمکش برای رام کردن جمهوری اسلامی بود جای خود را به سنگسار که بخشی از کشمکش مردم برای سرنگونی است داد یا لاقل پاپای آن در دستور قرار گرفت. پشت مساله اتی، صرف نظر از اینکه عامل نگرانی مردم هم بود، اما اساسا موضوع کشمکش دولتهای غربی با جمهوری اسلامی بود اما پشت مبارزه علیه سنگسار، مردم ایران و جهان بودند که دولتها را هم بدنبال خود به این موضوع سوق دادند. این دو موضوع کاملاً متفاوتند، نیروهای محرکه متفاوتی دارند، اهداف متفاوتی بر آنها ناظر است و نتایج متفاوتی هم بدنبال خواهند داشت.

**انترناسیونال:** فکر میکنید چه عوامل و شرایطی باعث میشود که این کمپین با اینچنین پاسخی گسترده در سطح جهان روبرو شود؟

**اصغر کریمی:** بنظر من باید از چهار عامل اسم برد که هرکدام در سطح خود اهمیت دارند. سنگسار یعنی زنده به گور کردن انسانها اولین دلیل بود یعنی شنیع ترین کاری که امروز يك دولت ممکن است انجام دهد. این موضوع قابل بحثی برای هیچکس نیست، روشنگری احتیاج ندارد. همه را تکان میدهد. عامل دوم انقلاب مردم ایران بود. ما این کمپین را روی شانه های این انقلاب

جلو میبریم. انقلاب قدرتمندی از سال قبل در ایران شکل گرفت که چشم مردم جهان را به ایران، به مبارزه مردم، به حقانیت آن و فجایعی که حکومت اسلامی علیه مردم انجام میدهد باز کرد. این زمینه را برای هر کمپینی از این دست به مراتب بازتر کرده است. عامل سوم، خود خانواده سکینه هستند که تصمیم گرفتند شجاعانه موضوع را علنی کنند و مینا احدی را به کمک طلبیدند. این يك فاکتور بسیار مهم بود. نفس اینکه فرزندان سکینه مردم دنیا را خطاب قرار دادند و از جهانیان کمک خواستند برای کمپین بسیار حیاتی بود. عکس سکینه خود يك عامل بسیار مهم بود که به کمیته های علیه اعدام و سنگسار رسید و امکانش فراهم کرد که دهها میلیون نفر عکس را ببینند و بتوانند در چشم سکینه نگاه کنند و این احساساتی را شکل داد که بدون آن ممکن نبود. در واقع عکس سکینه به کمپین هویت داد. این خیلی حیاتی بود. و بالاخره عامل چهارم وجود شخصیتی شناخته شده مثل مینا احدی با سابقه ای طولانی و تجربه ای غنی از مبارزه علیه اعدام و سنگسار با کلی ارتباط و اعتمادی که نسبت به فعالیت خود ایجاد کرده بود و همینطور کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام بود. سه فاکتور اول خودبخود به حرکتی در این ابعاد منجر نمیشد. باید کسانی آثرا سازمان میدادند.

هرروز و هر لحظه به زبانهای مختلف دنیا خبرسانی میکردند، مردم را به دخالت میکشاندند، رسانه ها را مطلع میکردند و تشویق به انعکاس مساله میکردند، اخبار فعالیت در يك شهر و يك کشور را در اختیار بقیه مردم دنیا قرار میدادند و الگو میساختند، اشکال ساده ای از امکان دخالتگری مردم را فراهم میساختند. کمپین باید سخنگو و سخنگویان و فعالینی میداشت که در خیابانهای شهرهای مختلف جهان مردم را مخاطب قرار دهند، افشاگری کنند، به حمایت از سکینه و فرزندانش سجاد و سعیده بکشانند، به دنیا بگویند ببینید با چه دولتی طرف هستید که میخواهد سکینه مادر این دو نازنین را زنده به گور کند، باید هزاران عکس سکینه تکثیر میشد و در خیابانهای شهرهای مختلف جهان توجه مردم را به خود جلب میکرد و کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام همراه با دو نهاد میشن فری

ایران و ایران سولیداریتی که دوش به دوش این دو کمیته و در واقع با فراخوان های مشترک، فعالیت های متنوعی را بطور شبانه روزی سازمان دادند و کمپین را به اینجا رساندند. روی نقش مینا باید اینجا تاکید ویژه ای بکنم. مینا در طول سالیان دراز اعتماد صدها خانواده محکوم به اعدام و سنگسار را بطور عمیقی جلب کرده است، مینا برای این خانواده ها مثل رابین هود شده است. هیچ کمپین توده ای و بزرگی بدون چهره یا چهره های شناخته شده شکل نمیگیرد. و مینا این نقش را به نحو درخشانی ایفا میکند، آنهم با چه انرژی ای. اما روشن است که بدون کمیته های علیه سنگسار و اعدام قادر به سازماندهی کمپینی اینچنین سازمان یافته و قدرتمند و با چنین سرعت عملی نمی بودیم. امروز و در طول این کمپین کمیته های علیه اعدام و سنگسار و بدرجات نهادهای ایران سولیداریتی و میشن فری ایران که در همه لحظات این کمپین شریک بوده اند و نقش ایفا کرده اند، در سطح جهانی شناخته شده هستند و این خود يك دستاورد بزرگ این کمپین بوده است.

**انترناسیونال:** تا چه حد فکر میکنید این کمپین بتواند باعث آزادی سکینه شود؟ جمهوری اسلامی با چه انتخابهایی روبروست؟

**اصغر کریمی:** جمهوری اسلامی بطور واقعی در يك مخصه گیر کرده است. چه سکینه را اعدام کند و چه تسلیم این کمپین شود و کوتاه بیاید، در هر دو حالت ضربه بسیار سختی خورده است. اگر سکینه را اعدام کند دنیا را هرچه بیشتر علیه خود می شوراند و اگر اعدام نکند و تسلیم شود، کارش در میان مردم زار خواهد بود. هر دو تصمیم برای جمهوری اسلامی يك شکست بزرگ سیاسی محسوب میشود. ما با تمام قوا تلاشمان را برای نجات سکینه ادامه میدهیم و این در گرو تداوم قدرتمند این مبارزه و بسیج هرچه بیشتر مردم و افکار عمومی جهانی است.

**انترناسیونال:** کلا تاثیر این فضا و این مبارزه بر اوضاع سیاسی در ایران را چگونه می بینید؟

**اصغر کریمی:** عرصه اصلی این مبارزه خارج کشور بود اما تاثیرات عمیق و دیرپائی بر داخل خواهد



## اطلاعیه شماره ۲۸: برای آزادی بهنام ابراهیم زاده وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده است

سرانجام بعد از سه ماه بی خبری، روز گذشته ۸ شهریور بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودکان از زندان اوین بند ۲۰۹ با خانواده خود تماس گرفت. در این تماس او اطلاع داد که در قبال آزادی وی وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده است. همچنین به خانواده وی اطلاع داده شده است که میتوانند پنجشنبه ۱۱ شهریور برای تماس با بهنام مراجعه کنند. اعلام اینکه بهنام ابراهیم زاده قرار است با وثیقه آزاد شود، تا همین جا يك موفقیت و خبری خوشحال کننده است، اما تا هنگامیکه او از زندان بیرون نیاید، نمیتوان هیچ اتکالی به این وعده ها کرد و مبارزه برای آزادی وی از زندان ادامه دارد.

این آزادیها طبعا زیر فشار اعتراضات و پیگیری و فشار خانواده هاست که صورت میگردد. اما باز نگاهداشتن پرونده زندانیان سیاسی و آزادی آنها در قبال وثیقه يك سیاست همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. تعیین وثیقه های سنگین در وهله اول يك فشار جدی مالی بر روی فعالین

سیاسی و خانواده های آنهاست و بارها شاهد بوده ایم که برای آزادی فردی از زندان وثیقه سنگین، اعلام شده است، اما بدلیل اینکه خانواده وی توان مالی تامین آن را نداشته است، او را مدتها در زندان نگاهداشته اند.

بعلاوه و نکته مهم اینکه جمهوری اسلامی با باز نگاهداشتن پرونده فعالین سیاسی و آزادی آنان در قبال وثیقه، تلاش دارد تا چماق و تهدید زندان را همواره روی آنان و در واقع روی کل جامعه نگاهدارد. با این کار هر از چند گاه این فعالین را احضار میکند و میگوید نشان دهد که آنها را در چنگ خود دارد و نباید دست از پا خطا کنند.

باز نگاهداشتن پرونده های فعالین سیاسی در واقع ادامه فشار و تهدید دائمی بر روی فعالین کارگری و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی است که دستگیر میشوند و اینچنین مرتبا تحت نظر و تهدید دائمی قرار دارند. پرونده قضایی تشکیل شده برای بهنام ابراهیم زاده و همه فعالین کارگری و همه فعالین سیاسی باید فوراً لغو شود.

بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی و همه

کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند.

با کمپین برای آزادی کارگران زندانی همکاری کنید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی کارگر زندانی زندانی سیاسی آزاد باید گردد

۷ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۹ اوت ۲۰۱۰

\*\*\*

### آخرین اخبار از بهنام

#### ابراهیم زاده و رضا شهابی

امروز پنجشنبه ۱۱ شهریور خانواده بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک و رضا شهابی از اعضای هیات مدیره سنیکای شرکت واحد، برای ملاقات عزیزانشان به زندان اوین مراجعه کرده بودند و توانسته با آنها ملاقات داشته باشند. خانواده بهنام ابراهیم زاده بعد از سه ماه اولین ملاقاتی بود که با او داشتند. آنها در این دیدار متوجه آسیب جدی بهنام از ناحیه پا و قفسه سینه شدند. بهنام در همان اولین تماس بعد از دستگیری گفته بود که در اثر ضرب و شتم زندانبانان جمهوری

مبارزه مردم سراسر جهان هنوز سکینه در زندان و زیر اعدام است. فکر میکنید در ادامه این کمپین چه باید کرد و چه گامهایی را باید در دستور گذاشت؟

**اصغر کریمی:** در همه زمینه هایی که توضیح دادم باید فعالیت را ادامه داد. بسیج افکار عمومی، تلاش برای پوشش خبری وسیع که زمینه را برای بسیج بیشتر و گسترده تر افکار عمومی فراهم میکند و فشار به دولتها برای بایکوت سیاسی رژیم. کنفرانس هایی را در فرانسه و برخی کشورهای دیگر در دستور داریم که هدف اصلی این کنفرانسها بردن مساله هرچه بیشتر به میان مردم و بسیج مردم است. يك بعد مهم و حیاتی کار ما داغ نگهداشتن مساله در خیابانها است. نیرو برای این کار در طول کمپین فراهم شده است، مردم واقعا میخواهند کاری بکنند، و این آن قطبی است که بی وقفه برای گسترش آن، فعال نگهداشتن آن، افق دادن به آن، متشکل کردن و هدایت آن باید نیروی کافی اختصاص دهیم و این در حال حاضر یکی از مهمترین مشغله های ما است. ما خیابانها را برای نجات سکینه همچنان داغ نگه

اسلامی آسیب دیده است. برای آزادی بهنام ۱۰۰ میلیون تومان وثیقه تعیین شده است. و خانواده او ضمن اعتراض به این وثیقه در صدد تهیه و رها کردن فرزندان از چنگ این جانان هستند.

رضا شهابی از ۲۲ خرداد تا کنون در زندان است و حکم بازداشت او دو ماه تمدید شده است. رضا شهابی از نظر جسمی در وضعیت بدی به سر میرسد. او بخاطر درد گردن در دوره مرضی پزشکی اش بود که توسط مامورین اطلاعاتی جمهوری اسلامی ربوده شد و بدلیل ناتمام ماندن دوره معالجه اش و سه ماه بازداشت در بند ۲۰۹ اوین، دچار مشکلات جسمی دیگری چون درد کمر، دست و ناراحتی گوارش شده است.

بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و

شرط از زندان آزاد شوند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی شهلا دانشفر

0044-77798 98968

[Shahla\\_Daneshfar@yahoo.com](mailto:Shahla_Daneshfar@yahoo.com)

[Bahram.Soroush@gmail.com](mailto:Bahram.Soroush@gmail.com)

0044-7852 338334

۱۱ شهریور ۱۳۸۹ - ۲ سپتامبر ۲۰۱۰

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

خواهیم داشت. گرچه رسانه ها تاثیر مهمی در کشاندن مردم به خیابانها دارند اما متقابلا خیابانها نقش مهمی بر رسانه ها برای منعکس کردن مساله دارند و این هر دو مستقما به ما كم میکند که فشار به دولتها را برای برسمیت نشناختن این رژیم بعنوان يك رژیم سنگسار ادامه دهیم. بنابراین ما هر سه بعد مبارزه را همزمان در دستور داریم. در عین حال بعنوان يك اقدام فوری تلاش برای راه ندادن احمدی نژاد به اجلاس سازمان ملل را در دستور داریم. این کاملاً به مساله سکینه مربوط است. خواست ما و عنوان کمپین ما این است که پرزیدنت سنگسار را به سازمان ملل راه ندهید. او نماینده حکومت قاتل اسلامی است و هیچ مرجعی حق ندارد به او به عنوان

نماینده مردم تربیون بدهد. حتی اگر احمدی نژاد به نیویورک برود باید دنیا به او به چشم کسی که همراه با خامنه ای و سایر اوباش این حکومت سنگسار و جنایت میکنند نگاه کند. امروز عکس سکینه که هر روز در رسانه ها و خیابانهای شهرهای مختلف جهان در معرض دید دهها میلیون نفر از مردم قرار گرفته است به سمبل جنبش جهانی علیه سنگسار و مبارزه علیه حکومت کثیف سنگسار اسلامی تبدیل شده و جمهوری اسلامی باید بداند تا زمانی که حکم سنگسار و اعدام سکینه را ملغی نکرده و او را آزاد نکرده است، هزینه های سیاسی زیادی باید بدهد.

انترناسیونال: ممنون از شرکت شما در این گفتگو\*

از صفحه ۸

### در حاشیه روز "قدس" ...

می باشد. این روز اعتراض کردن و به خیابان آمدن و دست به مبارزه زدن به معنای نه بزرگ مردم ایران به کل جریان تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی بوده و این بربریت را بیشتر از پیش به عقب خواهد راند.\*

### ما کمپین آزادی سکینه را ...

از صفحه ۶

گذاشت. مردم متوجه ابعاد حمایت از خود در مقابل حکومت اسلامی شدند. این مبارزه به مردم ایران نشان داد که امکان شکل دادن به يك جنبش عظیم همبستگی بین المللی با مبارزه آنها امکانپذیر است. همبستگی در ابعاد میلیونی و فعال هنوز شکل نگرفته است اما این مبارزه طلایه های آتراً نشان داد و مهمتر اینکه نیرویی که قادر است دنیا را علیه رژیم به میدان بیاورد را به عین به مردم نشان داد. به این معنی توازن قوا نه تنها به نفع مردم و به زبان جمهوری اسلامی تغییراتی کرد بلکه توازن قوا میان جنبش های سیاسی مختلف نیز به نفع جنبش آزادیخواهانه و سوسیالیستی تغییر کرد و این يك اتفاق سیاسی مهم در اوضاع سیاسی ایران است. به جرات میتوان گفت که این اولین بار است يك جریان اپوزیسیون کمپینی در این ابعاد سازمان داده است. ما رکورد فعالیت سیاسی توسط يك جریان اپوزیسیون را در سطح بین المللی شکندیم و استانداردهای جدیدی را پایه گذاری کردیم که در آینده سیاسی خود ما بسیار نقش خواهد داشت. در

انترناسیونال: علیرغم تلاش و

## در حاشیه روز "قدس"...

از صفحه ۱



محمد شکوهی

مردم مترصد فرصت برای به زیر کشیدن کل بساط حکومت دوباره شروع به عریضه کشی و تهدید مردم کرده اند. و این ترس و وحشت رژیم واقعی است. یائین تر به آن خواهم پرداخت. اما اینجا بد نیست اشاره ای هرچند کوتاه به تاریخچه این روز حکومت انداخته و در پرتو تغییرات تحولات دو دهه گذشته، مرور کوتاهی به شجره نامه و شعار هویتی جریان اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در منطقه داشته و به ارزیابی کوتاه از موقعیت فعلی آن پرداخته شود. این روز را خمینی ۳۰ سال پیش روز "آزادی قدس و نابودی اسرائیل" نام گذاشت و حکومت در حال شکل گیری جمهوری اسلامی را موظف کرد هر ساله آخرین جمعه ماه اسلامی رمضان را به این روز اختصاص داده و ایده "آزادی سرزمین های اسلامی" را زنده نگه دارند. با اعلام این روز داعیه های منطقه ای اسلام سیاسی و نماینده رسمی آن جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی به قدرت رسیده وارد مرحله جدیدی شد. مرحله ای که "صعود انقلاب اسلامی" و "آزادی قدس"، دو محور اصلی سیاست های بخشا هویتی جریان اسلام سیاسی و رژیم در منطقه گشت.

در ادامه این تلاش ها همزمان گروه های ترور سپاه پاسداران و حزب الله رژیم شروع به سازماندهی گروه های تروریست اسلامی در مناطق اشغالی فلسطین و جنوب لبنان زدند. با خرج میلیونها دلار و با صدور تسلیحات نظامی، جمهوری اسلامی چنگال خونین حکومت بربریت اسلامی را به این منطقه بحرانی دراز کرد. جمهوری اسلامی و شخص خمینی به این دار و دسته های تروریست اسلامی فرمان "جهاد" برای "آزادی قدس" را صادر نموده و اعلام کرد "تا آزادی قدس" جهاد مقدس اسلامی ادامه خواهد داشت. در مدت کوتاهی دهها باند و گروه تروریست اسلامی توسط رژیم در منطقه سازمان داده شده و در راستای سیاست های رژیم اسلامی و برای تثبیت سیاست های جمهوری اسلامی در این منطقه بحرانی به فعالیت پرداختند. با ورود گروه های تروریست اسلامی مورد حمایت رژیم، بویژه جهاد اسلامی، جنبش اصل اسلامی، حزب الله، حماس به لبنان و با

های ترور و تروریست های وابسته به این احزاب رسماً وارد شبکه های تروریستی جمهوری اسلامی شده و در جهت ترور مخالفان رژیم در اقصی نقاط دنیا دست به کار شدند. بر اساس گزارشات منتشر شده در کشورهای اروپایی بخش اعظم ترورهای مخالفان رژیم جمهوری اسلامی توسط عناصر وابسته به دار و دسته های تروریست عربی مورد حمایت جمهوری اسلامی صورت گرفته است. تا همین امروز تعدادی از این افراد در جریان محاکمات ترورهای جمهوری اسلامی در وین و میکونوس برلین اعتراف کرده اند. علاوه بر این جمهوری اسلامی اکثر عملیات های تروریستی اش را از طریق این عناصر در کشورهای منطقه سازمان داده و به اجرا در می آورد. در پس این سیاست ارتجاعی رسماً و علناً تروریسم اسلامی سازمان یافته جمهوری اسلامی است که هنوز که هنور است در مناطق فلسطینی نشین و جنوب لبنان دست به ترور و جنایت می زند. اکنون اوضاع جهانی و منطقه ای عوض شده. بعد از مرگ خمینی و پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق، بعد از جنگ های خونین اول و دوم خلیج و بالاخره فروپاشی بلوک شرق و... داعیه های آزادی قدس و نابودی اسرائیل دیگر حناش رنگ باخته و مجموعه گروه های تروریست اسلامی ناچار شده اند فعلاً در مناطق تحت کنترل شان در جنوب لبنان و سرزمین های اشغالی عقب نشسته و آنجا را جولانگاه جنگ و جنایاتشان قرار بدهند. بویژه بعد از برگزاری مذاکرات صلح بین اسرائیل و فلسطینی ها و برقراری "صلح مسلح" در این منطقه، از دایره نفوذ این باندهای تروریست و به طبع آن جمهوری اسلامی کاسته شده است. تغییر و تحولات دهه ۹۰ میلادی و فشارهای جهانی به جمهوری اسلامی، وی را وادار کرد که تا حدودی از حمایت های گسترده از این جریانات در ازای گرفتن امتیازاتی از غرب دست بردارد. ولی این به معنای پایان دوران جنگ تروریست های اسلامی در منطقه نبوده و نیست. در داخل خود حکومت اسلامی فشارهای جهانی و ایزوله شدن بیش از پیش رژیم بویژه در دوره حکومت اصلاح طلبان حکومتی از دامنه همکاری های رژیم با جریانات تروریستی اسلامی ناچارا کاسته شد. با واقعه حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و جنگ در افغانستان و عراق دوباره بخش هایی از این دار و دسته های فعال شده اند. اما در ورای همه

تغییر و تحولات منطقه ای و جهانی که تأثیرات مستقیمی در عقب نشینی تروریسم اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی داشته اند، یک فاکتور جدید و بسیار مهم وارد معادلات سیاسی در منطقه شده است. و آن اعتراض و مبارزه فعال مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. اعتراض و مبارزات گسترده ای که از سال پیش برای مدت بیش از ۳ ماه پایه های جمهوری اسلامی را به لرزه درآورد. انقلاب مردم برای سرنگونی آغاز شده بود. ابعاد و دامنه این اعتراضات تا حدی بود که خود خامنه ای و سران حکومت بارها اعتراف کرده و هنوز هم می کنند، که شکرگزار هستند که حکومتشان هنوز بر سر کار است. یکی از مهمترین نقطه عطف های مبارزات سال گذشته مردم بر علیه جمهوری اسلامی، اعتراضات گسترده و میلیونی بر علیه همین روز قدس حکومت بود. برای اولین بار مردم هویت جریان اسلامی و یک استراتژی اصلی اسلام سیاسی یعنی روز قدس حکومت را تبدیل به روز اعتراض بر علیه سیاست های پان اسلامیستی و تروریستی رژیم کردند. در این روز مردم عکس های خمینی، خامنه ای و سران حکومتی را آتش زدند، بساط مراسم حکومتی قدس را بر سرشان خراب کردند و بر علیه روز قدس شعار داده و پلاکاردها و پرچم های رژیم را که سطح شهرها که در حمایت از تروریسم حزب الله و جریانات اسلامی نصب شده بود، را به زیر کشیدند. موج اعتراض و خشم مردم در این روز همه جریات اسلامی کل صفوف و بساط حکومت را در هم ریخت. هنوز که هنوز است بعد از یک سال سران رژیم در هرناسبتی رسماً و علناً بر علیه مخالفان قدس، یعنی مبارزات مردم خط و نشان کشیده و تهدید می کنند. روز قدس سال گذشته تبدیل به روز بزرگ و پر شکوه در تقویم مبارزات رهایی بخش مردم برای رهایی از شر حکومت جانوران اسلامی شده است. تقلاهای دار و دسته های وابسته به موسوی و کروبی که در نظر داشته و دارند به جناح خامنه ای بقبولاند که اینها در این ماجرا، یعنی اعتراضات ضد حکومتی بر علیه روز قدس نقشی نداشته اند، تبدیل به تف سربالا برای این باند خارج حکومت شد. اهمیت شکست سیاست های جمهوری اسلامی در رابطه با روز قدس فقط مربوط به داخل ایران نبوده و نیست. ابعاد و تأثیرات عقب نشینی

های اسلام سیاسی و شکست سیاست های آن ابعاد فرا منطقه ای بزرگی به دنبال داشته و دارد. یک نتیجه برگشت ناپذیر جنبش و انقلاب مردم در سال گذشته این بود که جمهوری اسلامی بعنوان نقطه اتکاء ایدئولوژیک و روحی و فکری اسلام سیاسی در دنیا و در منطقه، شکست خورد. سال گذشته برای اولین بار در کشورهای لبنان، مصر و اردن مردم این مناطق جرات کرده و در حمایت از مبارزات مردم بر علیه رژیم جمهوری اسلامی تظاهرات و میتینگ گذاشتند. در نوع خود این یک تحول در منطقه بوده و مردم منطقه نشان دادند که تروریسم اسلامی و گروه های تروریست اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی و به معنای کل حکومت اسلامی را نمی خواهند و خوشحال هستند که مردم ایران پیشرو مبارزه بر علیه اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در منطقه بوده و از این مبارزات مردم حمایت کردند. عقب نشینی و شکست جمهوری اسلامی به معنای مرگ جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی و تمام دار و دسته های تروریست و وابسته به آن، و به معنای مرگ رژیم جمهوری اسلامی و گسترش جنبش ضد اسلام سیاسی در منطقه و رهایی مردم از شر ارتجاع و اسلامی سیاسی خواهد بود. با توجه به وقایع سال گذشته در این روز و به میدان آمدن جنبش اعتراضی مردم بر علیه این روز، ترس و هراس رژیم بیشتر شده و نگران شده اند. به همین دلیل و بر علیه همین عریضه کشی راه انداخته اند. ترس از بازگشت اعتراضات مردمی در این روز، خواب آرام را از حکومتیان گرفته است. به همین خاطر است که امسال از یک ماه پیش مسیرهای هفت گانه راهپیمایی حکومتی را اعلام کرده و در تمام مسیرها هزاران نفر از نیروهای سرکوبگران را به عنوان "مردم شرکت کنند" در راهپیمایی روز قدس از شهرستانها به تهران آورده و قرار است در خیابانها بچرخانند. هزاران نفر از نیروهای انتظامی را در همین مسیرهای هفتگانه مستقر خواهند کرد، تا از مخالفان این روز، یعنی مردم معترض مثلاً زهر چشم بگیرند. حسابی کاسه و کوزه حکومتشان به هم ریخته است. ترس و وحشت برشان داشته که چه خواهد شد. اما در این میان مردم و مخالفان این روز هم قطعاً ساکت نشسته اند. احتمال اینکه در این روز کنترل اوضاع از دست حکومت

## اعدام های مخفیانه در زندان مشهد و هراس جمهوری اسلامی

بنا به گزارشات منتشر شده و بنا به شهادت بعضی از زندانیان آزاد شده و کارکنان زندان وکیل آباد مشهد، صدها زندانی در ۵ ماهه اخیر در این زندان مخفیانه توسط جمهوری اسلامی اعدام شده اند. این اعدام ها از دو سال قبل آغاز شده ولی در ماههای اخیر تعداد آن افزایش یافته است. تعداد اعدام شدگان بیش از ۵۰۰ نفر تخمین زده می شود. بیشتر اعدام شدگان از خانواده های محرومی هستند که توانائی مالی گرفتن وکیل و پیگیری پرونده ها را نداشته اند. تعداد زیادی از این قربانیان افغانی هستند. مقامات جمهوری اسلامی با ارباب خانواده های اعدام شدگان را وادار به سکوت کرده و مانع اعتراض آنها شده است.

طبق این گزارشات، اعدام ها در گروههای ۶۰، ۷۰ نفره انجام شده و اعدامی ها تا لحظاتی قبل از اعدام نمی دانستند چه سرنوشتی در انتظار آنها است. تعدادی از نوجوانانی که قبل از سن ۱۸ سالگی به زندان افتاده اند، در بین اعدام شدگان هستند. بهانه اعدام بسیاری از اعدام شدگان قاچاق مواد مخدر بوده است. بیشتر احکام اعدام در این زندان توسط چهار قاضی

موقوف گردد. اعتراض و ابراز انزجار جهانی به حکم سنگسار و اعدام سکنیه آشتیانی، حکومت اسلامی را به وحشت انداخت و نشان داد که میتوان این مبارزه را در ابعاد جهانی گسترش داد. با تماس با خانواده های اعدام شدگان آنها را کمک و راهنمایی کنید تا با حزب و یا کمیته بین المللی علیه اعدام تماس بگیرند و بر علیه جمهوری اسلامی اعلام جرم کنند. سد ارباب حکومت باید شکسته شود. اسامی اعدام شدگان و نام حاکمان شرع و جنایتکارانی که احکام اعدام را صادر کرده اند، باید منتشر شود. از خانواده هایی که عزیزی از آنها اعدام شده است، حمایت کنید و به آنها بگوئید که این سران و دست اندرکاران جمهوری اسلامی هستند که مجرمند و باید مورد محاکمه قرار بگیرند.

مرگ بر حکومت اعدام و سنگسار اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ شهریور ۱۳۸۹، ۲ سپتامبر ۲۰۱۰

داشته اند. دولت بدون توجه به سابقه کار آنها اعلام کرده که آنها حق ادامه کار ندارند و وزیر لپن آموزش پرورش با توهین به این معلمان زحمتکش و گفتن اینکه: "آموزش و پرورش میدان تره بار نیست که از خیابان معلم جذب کنیم"، چهره کثیف خود را بیش از پیش آشکار نموده است."

بیش از یک میلیون معلم در بدترین شرایط اقتصادی به سر می برند. بسیاری از آنها شغل های دوم و سوم دارند تا بتوانند هزینه سرسام آور زندگی و حداقل امکانات برای ادامه حیات خود و خانواده خود را تامین کنند. پس از اعتراضات پرشور معلمان در سالهای ۸۵ و ۸۶ تعداد زیادی از معلمان اخراج شده و تعداد زیادی از رهبران اعتراضات معلمان زندانی شدند. جمهوری اسلامی در مقابل معلمان، همانند سایر گروههای مردم، شمشیر را از رو بسته و حمله به معیشت و امنیت اجتماعی آنها را تشدید نموده است تا به خیال خود بحران عمیق اقتصادی اش را کاهش دهد. از سوی دیگر تلاش میکند با ایجاد فضای رعب و وحشت و اسلامیزه کردن بیشتر فضای مدارس مانع بروز حرکات اعتراضی از جانب معلمان و

## تعرض جمهوری اسلامی به حقوق معلمان موقوف!

استخدام خود شدند. روز ۷ شهریور ۵۰ نفر از معلمان استانهای مختلف به نمایندگی از طرف ۱۲۰ هزار معلم قراردادی در سراسر کشور، در مقابل ساختمان مجلس تجمع کرده و خواست توقف اخراج معلمان و استخدام دائم آنها را مطرح کردند.

معلمین قراردادی همواره در معرض بیشترین تهدیدها و فشارهای جمهوری اسلامی بوده اند. در ابتدای استخدام، دولت از آنها تعهد گرفته است که در صورت اخراج، اعتراض نکنند. ترس از اخراج باعث شده که این معلمان به کمترین حقوق و سخت ترین شرایط تن در دهند. پرداخت حقوقهای آنها بارها به تعویق افتاده است. در اردیبهشت ماه گذشته دولت دست به محدود کردن بیمه و خدمات درمانی آنها زد. علاوه بر معلمان قراردادی، نزدیک به ۲۴ هزار نفر از معلمان شرکتی نیز کار خود را از دست داده و از هرگونه حقوقی محروم شده اند. بخشی از دستمزد ناچیز این معلمان به جیب صاحبان شرکت های دلالی رفته است که از طریق مناقصه، قرارداد تامین معلم برای آموزش و پرورش

جمهوری اسلامی دست به تعرض گسترده ای به حقوق ناچیز معلمان زده است. بیش از ۱۲۰ هزار معلم قراردادی در معرض بیکار شدن هستند. وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده است که این معلمین نمی توانند به کار خود ادامه دهند. آموزش و پرورش شرط ادامه کار و استخدام این معلمان را انجام آزمون و مورد تأیید قرار گرفتن پس از تفتیش عقاید آنها دانسته است. حمید رضا حاج بابائی وزیر آموزش و پرورش حکومت اسلامی "تسلط بر روحانیت قرآن" را شرط استخدام معلمان در آموزش و پرورش اعلام کرده است. اکثریت این معلمان چندین سال سابقه کار دارند و پس از گذراندن مراحل گزینش و مصاحبه به صورت قراردادی استخدام شده اند.

در مقابل این تعرض، روز ۳۱ مرداد تعدادی از معلمین قراردادی یک تجمع اعتراضی در مقابل مجلس اسلامی برگزار کردند. روز سوم شهریور دهها تن از زنان معلم از شهرهای شاهرود، آمل، بابل، قائمشهر و نظرآباد در مقابل مجلس تجمع کرده و خواستار

## معدنچیان شیلیایی در عمق زمین منتظر نجاتند

پنجشنبه ۲ سپتامبر به کارگران معدنچی غذای گرم رسانده شد. با ابتکارات بعضی تصاویری از کارگران نیز منتشر شد و یک ویدئو نیز از آنها به دست آمد. اما این کارگران ناچارند تا چندین ماه دیگر در زیر زمین در شرایط سختی باقی بمانند. قرار است تونلی جانبی حفاری شود و امدادگران از طریق آن تونل بتوانند به کارگران دسترسی یابند و آنها را بیرون بیاورند. حفر این تونل حداقل حدود چهار ماه طول میکشد. زندگی در یک محوطه محدود و بسته و بدون امکانات تا چهار ماه دیگر یعنی جمعا به مدت حداقل پنج ماه، کار بسیار سخت و خطرناکی است. دولت شیلی از کارشناسان سازمان ناسا در آمریکا کمک خواسته است تا به این کارگران کمک کنند که خود را با شرایط زیر زمین وفق دهند. زیرا ناسا یکی از کارهایش آموزش زندگی در خلأ و در محفظه بسته و محدود به فضا نوردان است. شماری از کارشناسان ناسا امروز وارد شیلی شدند. بهررو اکنون میتوان به نجات ۳۳ کارگر معدنچی معدن ساتیاگو بسیار امیدوار بود و این خبری هیجان انگیز و شادی بخش است و به همه کارگران و مردم نجات معدنچیان را شادباش میگوییم و امیدواریم در شماره های بعدی این نشریه اخبار مسرت بخش تری از این رویداد را به اطلاع برسانیم. \*

افزایش یابد. هیچ معلمی نباید برای تامین معاش مجبور به داشتن کار دوم باشد. حداقل حقوق در شرایط کنونی نباید کمتر از یک میلیون تومان باشد.

- کلیه معلمان زندانی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند و امکان بازگشت به کار خود را همراه با تمام حقوق و مزایای دوره ای که در زندان بوده اند، داشته باشند.

- معلمان باید از آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکل برخوردار باشند. دست مذهب باید از آموزش و پرورش کوتاه شود، نهادهای سرکوب مذهبی در مدارس منحل شوند و یک نظام آموزشی سکولار جایگزین تحجر مذهبی حاکم بر مدارس کشور شود.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ شهریور ۱۳۸۹، ۲ سپتامبر ۲۰۱۰

در میان اخبار تکان دهنده و تلخ حوادث روزمره محیط کار، هفته پیش یک خبر شادی بخش به دنیا مخابره شد: ۳۳ معدنچی شیلیایی که از حدود سه هفته قبل از آن در زیر زمین مدفون شده بودند، زنده اند. با سقوط یک تخته سنگ بزرگ در تونل خروجی یک معدن مس و طلا در منطقه سانتیاگوی شیلی، راه خروجی این معدنچیان بسته شد و از سرنوشت آنها به مدت ۱۷ روز خبری در دست نبود. تصور میشد که همه معدنچیان در زیر آوار جان باخته اند. بعد از ۱۷ روز از طریق ابزارهای کاوشگری که قرار بود محل دفن کارگران را معلوم کند، معلوم شد که این کارگران در زیر زمین محبوس شده اما زنده اند. این خبر موجی از شادی را در کشور شیلی و ویژه درمیان خانواده ها و بستگان و دوستان کارگران معدنچی برانگیخت. بلافاصله اقدامات ویژه ای برای رساندن غذا و نجات آنها آغاز شد. لوله های ویژه ای به زیر زمین فرستاده شد و از طریق این لوله ها غذا و مواد خوراکی برای آنها ارسال شد. لحظه به لحظه این عملیات از طریق تلویزیون شیلی پخش میشود و همگان با نگرانی و شادی و امید و نگرانی وضعیت کارگران گرفتار شده در زیر زمین را دنبال میکنند. هم اکنون که خبر را منعکس میکنیم مدت ۲۸ روز از به دام افتادن معدنچیان در عمق هفتصد متری میگذرد. امروز دانش آموزان شود.

مردم آزاده ایران، معلمان، دانش آموزان!

اعتراضات و خواست های معلمان قراردادی و کل معلمان در سراسر کشور باید مورد حمایت وسیع همه شما قرار گیرد. رژیم درمانده تر از آن است که بتواند در مقابل اتحاد شما مقاومت کند و با گسترش مبارزه ناچار به عقب نشینی خواهد شد. حزب کمونیست کارگری از مبارزات و خواستهای معلمان قراردادی و کلیه معلمان قاطعانه پشتیبانی می کند و از همه شما میخواهد یکپارچه از خواستهای زیر حمایت کنید:

- تمام معلمان قراردادی و شرکتی باید استخدام رسمی شوند و از حقوق برابر با سایر معلمان و از امنیت شغلی برخوردار شوند.

- کلیه معلمان اخراجی باید به سر کارهای خود برگردند.

- حقوق معلمان باید با توجه با بالا رفتن سرسام آور هزینه های زندگی

## لایحه "حمایت از خانواده" ...

از صفحه ۱

این جانیان را میتوان دید. میشود دید که چگونه از صیغه بعنوان "راه لذت جنسی بردن" از زنان سخن میگویند و بقول آخوندهایشان شجاعانه از آن دفاع میکنند. بندهای این لایحه و مجادلات حول آن ابعاد تکان دهنده جنایت آشکاری که در قبال زنان در حکومت جمهوری اسلامی اعمال میشود را بیش از پیش آشکار میکند. میتوان دید که چگونه از زنان همچون بردگان جنسی سخن میگویند. این لایحه را باید بر سرشان کوبید.

در تیر ماه ۸۶ بود که اول بار این لایحه به پیشنهاد قوه قضاییه جمهوری اسلامی در جلسه هیات دولت احمدی نژاد تصویب و به مجلس ارسال شد. کلیات این لایحه در همان سال به تصویب مجلس رسید، اما بعد از بر پا شدن موجی از اعتراض، دو ماده جنجالی ۲۳ و ۲۵ از آن حذف شد. سپس چندی پیش بود که کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس با وجود حذف این دو ماده، در صدد بررسی مجدد این مواد و تصویب آنها با انجام تغییراتی برآمد. بدین ترتیب با افزودن بندهای جدیدی به ماده ۲۳، این ماده حذف شده دوباره از دری دیگر وارد لایحه شد. همچنین با تغییر ماده ۲۵، تحت این عنوان که در صورت سنگین بودن مهریه و عدم پرداخت آن، مجازات زندان نخواهد بود، دوباره این بند را وارد لایحه کرد. طرح مجدد این لایحه به دعوایی جدی در درون حکومت تبدیل شد. ترس از جلو صحنه آمدن جنبش اعتراضی زنان، شدت یافتن شکاف درون حکومت، بار دیگر مجلس را وادار کرد که بندهای جنجالی ۲۳ و ۲۵ را از دستور کار مجلس خارج کند و بررسی بیشتر آنرا به کمیسیونهای تخصصی مجلس ارجاع دهد.

کل این داستان و رفت و برگشت های دو ساله اش حاکی از تلاش های این رژیم برای حاکم کردن قوانین ارتجاعی اسلامی و بردگی جنسی بعنوان پایه های اصلی حکومت است. "لایحه حمایت خانواده جمهوری اسلامی"، حجاب اجباری و دیگر قوانین ارتجاعی اسلامی همه و همه پایه های اصلی حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی را میسازند. از همین رو تصویب چنین قوانینی برای جمهوری اسلامی، انچنان هویتی است که حتی از مخالفین درون خود تحت عنوان مخالفین نظام اسم میبرند

شکاکش در درون حکومت اسلامی اکنون بر سر "لایحه حمایت خانواده" متمرکز شده است. آنچه آنرا "لایحه حمایت خانواده" میخوانند یکی از ضد انسانی ترین، و بیشرمانه ترین اسنادی است که باید این رژیم را بخاطرش به محاکمه کشید. "لایحه حمایت خانواده" جمهوری اسلامی در واقع لایحه صیغه این فحشای اسلامی و تعدد زوجات است. لایحه ای که بحث هایشان حول آن بر سر صیغه وسیله لذت جنسی است و یک مشت فاسد و مرتجع نشسته اند و دارند در مورد قوانین یک حکومت تمام عیار آپارتاید جنسی بر سر هم میگویند. لایحه ای که مملو از خشونت، وحشیگری، تجاوز، تحقیر، بی حقوقی، بردگی مطلق جنسی، است که حتی به کودکان نیز رحم ندارد و متکی بر قوانین ارتجاعی اسلامی و بازگشت به دوران بربریت محمد و حرمسرایان است. لایحه ای که تحت عنوان خانواده، و تحت عناوینی چون ازدواج، طلاق، مهریه، جهیزیه، صیغه، تعدد زوجات، نفقه و کشفاتی از این دست، بوی گندیدگی و تعفن میدهد. سندی است که برای رسمیت بخشیدن به بردگی جنسی زن و تحقیر و توهین آشکار انسان است.

جمهوری اسلامی همانطور که طرح "هدفمند کردن یارانه ها" را تصویب کرد و آخرین لقمه سفره مردم را نشان گرفت، همانطور که طرح حجاب و عفاف را در دستور گذاشته و جامعه را زیر تعرض هر روزه اش قرار داده است، "لایحه حمایت خانواده" را هم در دستور گذاشته است تا حکومت اسلامی اش را سرپا نگاهدارد. تا انتقامش را از جنبش آزادی زن و نقش جانانه زنان در خیزش انقلابی یکسال اخیر مردم بگیرد. اما رژیم خود میداند هم این لایحه و هم طرح یارانه ها و همه شاخ و شانه کشیدنهایش در مقابل جامعه، با پاسخ جانانه مردم روبرو خواهد شد. از همین رو هر گامی که برمیدارد بیش از هر چیز با ریزش نیرو از درون خودش روبرو میشود و همین الان یک دعوای حاد در دولت و مجلس بر سر همین "لایحه حمایت خانواده" است. این لایحه آنقدر ارتجاعی و وحشیانه است که حتی در درون خود حکومت نیز صدای اعتراض خیلی ها را بلند کرده است و دعوای بر سر حذف دو بند جنجالی ۲۳ و ۲۵ بالا گرفته است. در این دعوای عمق فساد و کشف



و هم اکنون موضوع به جنجالی بزرگ در درون حکومت تبدیل شده است و اختلاف به جایی کشید که حتی به گفته خودشان مجلس را به تشنج کشاند. در همان شروع این لایحه با اعتراضی گسترده روبرو شد. تا جاییکه حتی در درون خود حکومت مخالفت هایی را برانگیخت. همانموقع ائتلافی از راست ها در برابر این لایحه شکل گرفت که با دفاع از خانواده و کماکان از خانواده شروع کردند و کماکان از موقعیت نابرابر و غیر انسانی زنان در مذهب اسلام دفاع کرده و تعرضی به ریشه موضوع نداشتند. جبهه راستی که با زدن نقبی به درون مجلس جمهوری اسلامی و زنان چادر و چاقچوری و مرتجع عضو مجلس غرولندهایی علیه دوبند کذایی راه انداختند و تعدادی آخوند و دوم خردادی از حکومت رانده شده و غیره را دور خود جمع کردند. ائتلافی که تمام هم و غششان چانه زنی بر سر دو بند جنجالی آن بند مربوط به صیغه و تعدد زوجات بود و کل اعتراضشان این بود که قوانین نظیر چند همسری نه تنها با کنوانسیون علیه تبعیض، بلکه با مصلحت نظام و حیثیت داخلی و خارجی کشور در تعارض قرار دارد، و نصیحتشان این بود که میتوان بر مبنای مصلحت گرایی با استفاده از نقطه نظرهای روشن بینانه دینی-سیاسی اصلاح کرد. چرا که به زعم آنان باعث از هم گسیختگی پیوندهای خانوادگی و افزایش طلاق میشود. آنها بحث را روی این دو بند فوکوس کردند، چون تمام اندیشه شان مصلحت نظام بود. ما در همان موقع با اعلام پلانفرم چپ در مقابل این لایحه و ائتلاف راست تحت عنوان دفاع از زن ایستادیم و گفتیم اولین شرط رهایی زن در این جامعه سرنگونی جمهوری اسلامی است و کل این لایحه و قوانین ضد زن این حکومت را به زباله دان تاریخ خواهیم انداخت. گفتیم این لایحه و این توهین را بر سرشان خواهیم کوبید و در ادامه این حرکت بود که سال گذشته مانیفست آزادی زن را به عنوان پرچم جنبش آزادی زن و صدای انقلاب مردم ایران اعلام کردیم. مساله اینست در طرح کنونی این لایحه اوضاع متفاوت است و دعوای جای دیگری قرار گرفته

است. یکسال از خیزش انقلابی مردم میگذرد و به میان کشیدن چنین طرح هایی از سوی حکومت آخرین تقلاهایش برای ماندن است. جنبش آزادی زن قویتر از هر وقت در میدان است و کل این حکومت را به چالش کشیده است. در چنین شرایطی اساس این طرح روی هواست. اکنون "ائتلاف اسلامی زنان" متشکل از گروه ها و احزاب سیاسی اصولگرا و اصلاح طلب حکومتی، خواهر زینب ها و مجریان طرحهای عفاف و حجابشان مخالفین این لایحه هستند. آنرا عقب گرد میدانند. از اینک که قرار است حرمسراهای مردان زیاده خواه و ثروتمند راه افتد سخن میگویند. امثال زهرا رهنورد و اپوزیسیون حافظ این رژیم مخالفین این لایحه هستند و با پیشنهاد خارج کردن آن از دستور مجلس و سپردن آن به گروهی کارشناس و پیشرو به میدان آمده اند. و همه دعوای بر سر دو بند جنجالی تعدد زوجات و رسمیت دادن بر صیغه است.

واقعیات اینست که جامعه هیچگاه به این بربریت و ارتجاع تسلیم نشده است. ما با یک جنبش قدرتمند آزادی زن و سکولاریسم در جامعه روبرویم. جنبش آزادی زن اولین جنبشی بوده است که در مقابل این

### اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۵۹: ایتالیا به یاری سکینه بر میخیزد!

این عکس بزرگ بر روز چهارشنبه ۱ سپتامبر از ساختمانی در مرکز رم در ایتالیا آویزان شد. دولت ایتالیا عکس بزرگی از سکینه محمدی آشتیانی را از آفیس های "وزارت فرصت های برابر" آویزان کرده و از جمهوری اسلامی خواسته است که محکومیت اعدام درمورد سکینه را لغو کند.

امروز اول سپتامبر تقریباً همه رسانه های ایتالیا در مورد سکینه محمدی آشتیانی مطلب داشتند. در ونیز به مناسبت فستیوال فیلم برنامه های متعددی در جریان است و امروز قرار بود در همان شهر در اعتراض به حکم اعدام و سنگسار سکینه [میتینگ] برپا شود. همچنین فردا پنجشنبه ۲ سپتامبر در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در شهر رم یک همایش بزرگ بر علیه سنگسار و در دفاع از سکینه برگزار میشود. وزیر امور خارجه ایتالیا در سایت خود علیه این حکم مطلبی نوشته و مردم را به اعتراض دعوت کرده است. در طول ده روز گذشته ۸۶۵۲۸ امضا برای آزادی سکینه در ایتالیا جمع آوری شده است.

حکومت ایستاده است و در طول یکساله اخیر نیز جایگاه مهم این جنبش را دیده ایم. جنبشی که نقطه مقابل این حکومت آپارتاید جنسی و قوانین ارتجاعی اسلامی آنست. جنبشی که بر برابری کامل زن و مرد در تمام شئون اجتماعی و خانوادگی تاکید دارد و مطلقاً هیچگونه تبعیضی را بر علیه زنان نمی پذیرد.

امروز نیز پاسخ ما مردم در مقابل کل این طرح "لایحه حمایت خانواده" روشن است. کل این لایحه را به آشغال دانی می اندازیم. سطر سطر آن ارتجاعی و ضد انسان است. کارشناس لازم نیست تا تعفن ارتجاعی و ضد زن در سرتاپای این لایحه را بو بکشد. جمهوری اسلامی این حکومت ضد زن و آپارتاید جنسی باید سرنگون شود. تمامی قوانین ارتجاعی ضد زن و اسلامی باید لغو شود. زن و مرد باید در همه عرصه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برابر باشند و اینها قوانینی است که در همان روز به قدرت رسیدن رو به دنیا اعلام خواهیم کرد. و اکنون که چنین به جان هم افتاده اند. ما با پلانفرم مان با مانیفست آزادی زن در مقابل همه این جانیان می ایستیم. اجازه نمیدهیم که چنین به حرمت زن و کل بشریت توهین شود\*



میتینگ اعتراضی فردا به دعوت احزاب سبز و چپ در ایتالیا برپا میشود و انتظار میرود تعداد زیادی در این میتینگ شرکت کنند. مقامات مختلف دولت ایتالیا از اینکه این کشور به یاری سکینه برمیخیزد و اینکه باید از فرانسه جلوتر رفت و از سکینه قاطعانه دفاع کرد صحبت میکنند. در ایتالیا در شهر فلورانس عکس بزرگ سکینه را بر سر در شهرداری این شهر نصب کرده اند و در شهرهای دیگر نیز از این اقدام پشتیبانی شده است.

کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام از همگان دعوت میکند در هر کشوری که هستند به حرکت عظیم جهانی برای نجات سکینه و علیه سنگسار و اعدام و علیه حکومت اسلامی ملحق شوند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱ سپتامبر ۲۰۱۰

## هزاران نفر در بیش از صد شهر جهان علیه سنگسار تظاهرات کردند!



انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

## هزاران نفر در بیش از صد شهر جهان علیه سنگسار تظاهرات کردند!



ترتیب داده بودند و در طول تظاهرات نیز صدها رسانه گزارش تهیه کردند و با دست اندرکاران و شرکت کنندگان در تظاهرات ها مصاحبه کردند و تعدادی از آنها گزارش این تظاهرات ها را بطور زنده منعکس کردند.

در بسیاری از تظاهرات ها همچنین کارت پستالی که خطاب به سازمان ملل مبنی بر راه ندادن به احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور سنگسار تهیه شده بود، توسط مردم خریداری شد تا به سازمان ملل پست شود.

بدین طریق روز ۲۸ اوت به یک روز بزرگ و تاریخی علیه سنگسار و بربریت جمهوری اسلامی و به روزی تاریخی در شکل گیری همبستگی جهانی با مردم ایران تبدیل شد و سنگ بنای همبستگی های بزرگتر با مردم ایران برای به زیر کشیدن حکومت ننگ و جنایت جمهوری اسلامی را بنیان نهاد.

ما به همه سازمان دهندگان و شرکت کنندگان در تظاهرات های امروز درود میفرستیم و از همه سازمانها، افراد و رسانه هائی که در

دست داشتند، به سخنرانی ها گوش دادند، شعار دادند و بیانیه تظاهرات امروز را که توسط سخنرانان و سازمان دهندگان تظاهرات ها قرائت میشد، با هورا کشیدن و دست زدن مورد پشتیبانی قرار دادند و یا آنرا امضا کردند. در این بیانیه ضمن اشاره به جنایات جمهوری اسلامی، نسل کشی، آپارتاید جنسی، زندان و شکنجه و اعدام و قوانین ارتجاعی شریعت و ضرورت محاکمه سران رژیم به جرم ۳۱ سال جنایت علیه بشریت، بر خواست آزادی فوری و بی قید و شرط سکینه محمدی آشتیانی و سایر محکومین به سنگسار، لغو مجازات سنگسار، برسمیت نشناختن جمهوری اسلامی بعنوان دولت ایران و اخراج آن از همه مجامع بین المللی و همچنین محاکمه عاملین سنگسار و تعقیب آنها در مراجع بین المللی تاکید شده بود.

خبر این تظاهرات ها را صدها شبکه تلویزیونی، رادیو و روزنامه در کشورهای مختلف جهان در روزهای قبل منعکس کرده و با رهبران و فعالین این کمپین مصاحبه هائی

۲۸ اوت ۲۰۱۰ به یک روز تاریخی بزرگ در مبارزه علیه بربریت جمهوری اسلامی تبدیل شد!

امروز ۲۸ اوت ۲۰۱۰ هزاران نفر از شهروندان جهان در بیش از صد شهر دنیا به فراخوان کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار، میشن فری ایران و ایران سولیداریتی به خیابان آمدند و علیه بربریت جمهوری اسلامی، علیه مجازات قرون وسطائی سنگسار، علیه بیرحمی و آدمکشی حکومت اسلامی و برای نجات سکینه محمدی آشتیانی و سایر محکومین به سنگسار اعتراض کردند.

بنا به گزارشات اولیه ای که از تظاهرات های امروز از نقاط مختلف جهان به ما رسیده است، استقبال گسترده و بینظیری از تظاهرات های امروز در شهرهای مختلف به عمل آمده است. طبق این گزارشات هزاران نفر در اجتماعات امروز در بیش از صد شهر در ۳۲ کشور شرکت کردند، و در حالیکه پوسترهای متعددی از سکینه و سایر محکومین به سنگسار و اعدام را در

مبارزه را تا الغای کامل سنگسار و همه قوانین جنایتکارانه اسلامی و به زیر کشیدن حکومتی که بر پایه سنگسار و اعدام و شکنجه و جنایت بنا شده است، قاطعانه ادامه خواهیم داد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۸ اوت ۲۰۱۰

برپائی این روز نقش ایفا کردند قدرانی میکنیم.  
گزارشات، عکسها و فیلمهای تظاهرات امروز را به تدریج منعکس میکنیم و همینجا اعلام میکنیم که مبارزه ما علیه سنگسار و حکومت سنگسار اسلامی امروز گام بزرگی به جلو برداشت و مردم ایران و بشریت مترقی را در موقعیتی مناسبتر برای تداوم و گسترش این مبارزه قرار داد. ما با افتخار اعلام میکنیم که این

بین المللی محاکمه شود. ما به مبارزه خود علیه سنگسار تا تحقق این خواستها ادامه خواهیم داد، و بعنوان یک اقدام فوری برای تحقق این مطالبات، خواهان ممانعت از ورود احمدی نژاد، رئیس جمهور حکومت سنگسار، به مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۱۰ هستیم.

اسلامی سنگسار بعنوان دولت ایران. جمهوری اسلامی باید از همه مجامع بین المللی طرد شود.

۴ (محاکمه عاملین سنگسار. سنگسار شنیع ترین شکل جنایت علیه بشریت است. هر فرد و دسته و گروه یا دولتی این مجازات را اعمال کند باید مورد تعقیب مراجع بین المللی قرار گیرد و در دادگاههای

### متن کامل بیانیه ۲۸ اوت:

بیانیه ۲۸ اوت ۲۰۱۰، صد شهر جهان علیه سنگسار!

ارتجاعی شریعت را بر ایران حاکم کرده است. این حکومت قاتل مردم است و سران آن باید به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای بین المللی محاکمه شوند.

۲۸ اوت ۲۰۱۰ آکسیون جهانی ۲۸ اگوست ۲۰۱۰ جلوه دیگری از همبستگی مردم جهان با مردم ایران است که قهرمانانه برای پایین کشیدن رژیم اسلامی سنگسار و قصاص و حجاب و شکنجه و اعدام پیافاشته اند. ما صد شهر جهان با افتخار اعلام می کنیم که خود را پرچمداران جبهه جهانی انسانیت بر علیه بربریت و وحشیگری میدانیم و از مبارزات مردم ایران بر علیه یکی از درنده خوترین رژیم های تاریخ بشریت فعالانه حمایت میکنیم. ما، بشریت متمدن دنیا، اعلام میکنیم که راه

روز ۲۸ اوت ۲۰۱۰ صد شهر جهان علیه سنگسار و برای نجات جان سکینه محمدی آشتیانی پیافاشته اند. این روز در تاریخ ثبت خواهد شد. چرا که نماد اعتراض میلیونی و پرشور مردم سراسر جهان در هفته های اخیر علیه بربریت قرون وسطائی سنگسار است. این شرم بشریت است که در قرن بیست و یک هنوز در ایران و دیگر کشورهای اسلام زده سنگسار برقرار است. ما شهروندان صد شهر جهان اعلام می کنیم که این ننگ را نمی پذیریم.

در این روز ما همچنین علیه حکومت سنگسار در ایران اعتراض میکنیم. حکومتی که در ۳۱ سال گذشته یک نسل کشی به راه انداخته، آپارتاید جنسی برقرار کرده و زندان و شکنجه و اعدام و تجاوز و قوانین

رهائی مردم ایران نه تهدید و لشگرکشی و حمله نظامی، بلکه بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی بقدرت مبارزات مردم در ایران و در سراسر دنیا است.

در ۲۸ اوت ۲۰۱۰ اینها مطالبات مشترک ما در صد شهر جهان است:  
۱ (آزادی فوری و بی قید و شرط سکینه محمدی آشتیانی و تمام کسانی که در ایران محکوم به سنگسار شده اند.

۲ (لغو مجازات سنگسار در ایران و در همه جا. ما از سازمان ملل میخواهیم که در قطعنامه ویژه ای مجازات سنگسار را در همه کشورها اکیدا ممنوع اعلام کند.

۳ (برسمیت نشناختن جمهوری

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!